



وزارت اطلاعات و امنیت ایران : یک پرونده

گزارشی تدوین شده توسط بخش تحقیقات فدرال

کتابخانه کنگره آمریکا

تحت یک توافقنامه بین آژانسها با برنامه پشتیبانی جنگ نامنظم دفتر پشتیبانی فنی مبارزه با تروریسم

دسامبر ۲۰۱۲

بخش تحقیقات فدرال

کتابخانه کنگره

واشینگتن

تلفن، فاکس، ایمیل، صفحه وب

مقدمه

این گزارش، تصویری کلی از وزارت اطلاعات و امنیت ایران را ارائه داده و تلاش می‌کند یک بررسی فراگیر از این سازمان در اختیار بگذارد، از جمله ویژگیهایی مانند تاریخچه و توسعه، ساختار سازمانی و نیروگیری آن.

اطلاعات این گزارش عموماً از روزنامه‌های فارسی و انگلیسی، سایتهای خبری و وبلاگهای ایرانی جمعآوری شده‌اند. در انجام این بررسی، تلاشی صورت گرفته تا اعتبار اطلاعات توسط مقایسه و مقابله کردن تمامی اطلاعات از طریق منابع مختلف، تضمین شود. اما، بدلیل طبیعت مخفی این سازمان و اعمال آن، اطلاعات در مورد این وزارتخانه به سختی بدست آمده و قابل بررسی است.

بدلیل شدت کنترل رسانه‌ها و اخبار توسط دولت جمهوری اسلامی ایران، ایرانیها مجبورند بر منابع ثانویه مانند وبلاگهای جهت دریافت اخبار روزانه تکیه کنند. به عنوان مثال، در ۲۰۰۵، ایران بعد از ایالات متحده و چین در تعداد وبلاگ‌نویس رتبه سوم در جهان را داشت، که خود نشانه‌ی از اهمیت ارتباطات و انتشار اخبار از طریق وبلاگها و رسانه‌های اجتماعی است. لازم به ذکر نیست که وزارت اطلاعات و امنیت اطلاعات در مورد فعالیتهای خود در سایتهای ایرانی منتشر نمی‌کند. لاجرم، در نبود اطلاعات دولتی رسمی، این گزارش بعضاً بر رسانه‌های اجتماعی، بطور وبلاگها، به عنوان منبعی از اطلاعات تکیه می‌کند که بیش از آن که ممکن مجاز شناخته شود. اعتبار اطلاعات بر اساس وبلاگها ممکن است در مواقعی قابل تردید باشد، اما به نظر می‌رسد که در نبود منابع دیگر بررسی و ارائه آن معقول باشد.

با توجه به سری بودنی که این وزارتخانه را احاطه کرده است، شناخت بسیاری از جوانب این سازمان، سلسله مراتب و فعالیتهای آن بسیار پائین است. نقش وزارتخانه خارج از ایران و همکاری آن با نیروی قدس موضوعاتی هستند که نیاز به بررسی دقیقتر دارند. علاوه‌براین، اشراف به تواناییهای سایبری وزارتخانه می‌تواند بینش بهتری نسبت به اهداف احتمالی ایران در یک جنگ سایبری ارائه دهد.

همانطور که فوقاً یادآوری شده است، این گزارش بطور عمده بر منابع فارسی تکیه دارد. برای ساده بودن خواننده، فهرست و پاورقیها آن، منابع را با ترجمه انگلیسی تیترهای آن لیست کرده و تیترهای فارسی اصل آنها در گوشه قرار دارد. آدرسهای اینترنتی که در گزارش ارائه شده‌اند تا نوامبر ۲۰۱۲ بروز بودند.

فهرست

i	مقدمه
۱	۱. خلاصه اجرایی
۲	۲. اسامی گروه‌ها و نامهای مستعار
۳	۳. نوع گروه
۳	۴. اهداف
	۵. تمایل قومی، سیاسی و مذهبی
۴	۵/۱. آرایش قومی
۴	۵/۲. وابستگی سیاسی و مذهبی و آرایش ایدئولوژیک
۵	۶. تاریخچه
۱۰	۷. سازماندهی
۱۸	۸. رهبران اصولی
۲۳	۹. مقرهای اصلی
۲۴	۱۰. فرماندهی و کنترل
۲۴	۱۱. ابعاد عضویت
۲۴	۱۲. عضویت و نیروگیری
۲۸	۱۳. آموزش و تلقین فکری
۲۹	۱۴. روشهای عملیات و تاکتیکها
۲۹	۱۴/۱. عملیاتها
۳۱	۱۴/۲. کنترل رسانهها
۳۲	۱۵. تواناییهای اطلاعاتی
۳۲	۱۵.۱. علامتها و اطلاعات سایبری
۳۳	۱۵.۲. اطلاعات انسانی
۳۳	۱۵.۳. ضد اطلاعات
۳۶	۱۶. انگیزش و راندمان
۳۷	۱۷. زمینه‌های اصولی عملیات

۴۰	مالی و جمعآوری پول	۱۸.
۴۰	روابط و حمایت خارجی	۱۹.
۴۱	بکارگیری رسانه‌های ارتباطاتی	۲۰.
۴۴	بررسی تهدید تروریستی	۲۱.
۴۵	شکافهای اطلاعاتی (در منابع)	۲۲.
۴۵	وقایع تاریخی مهم و پسرقتها	۲۳.
۴۸	وقایع‌نگار حملات تروریستی بزرگ	۲۴.
۵۲	فهرست کتب	۲۵.
۶۲	ضمایم - چارته‌ها، نقشه‌ها و عکسها	۲۶.

۱. خلاصه اجرایی

- وزارت اطلاعات و امنیت تمامی امکانات در اختیار خود را جهت حفاظت از جمهوری اسلامی ایران بکار می‌گیرد. روشهایی مانند نفوذ در گروه‌های اپوزیسیون داخل کشور، نظارت بر تهدیدات داخلی و مخالفان در تبعید، دستگیری افراد متهم به جاسوسی و مخالف، برملا کردن توطئه‌هایی که تهدید محسوب می‌شوند، و حفظ ارتباط با آژانسهای اطلاعاتی خارجی و همچنین سازمانهایی که از منافع جمهوری اسلامی ایران در سراسر جهان حفاظت می‌کنند.
- هر چند سخت‌سران اسلامی در ایران تحت هدایت آیت‌الله علی خامنه‌ای اداره می‌شود، این سازمان شامل ترکیبی از ایدئولوژیهای سیاسی می‌باشد.
- هر وزیر اطلاعات بایستی یک درجه تحصیلی در اجتهاد (توان تفسیر منابع اسلامی مانند قرآن و گفته‌های پیامبر و ائمه) از یک مدرسه مذهبی داشته باشد، از هرگونه عضویت در حزب یا گروه سیاسی خودداری کرده، دارای شهرتی از کمال شخصی بوده و گذشته قوی در زمینه سیاسی و مدیریت داشته باشد.
- بر اساس قانون اساسی ایران، تمامی سازمانها بایستی اطلاعات خود را با وزارت اطلاعات در میان بگذارند. وزیر بر تمامی عملیتهای سری نظارت دارد. این وزارتخانه خود بطور معمول عملیات داخلی را انجام می‌دهد، اما نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اغلب عملیتهای فرامرزی مانند خرابکاری، سوء قصد و جاسوسی را انجام می‌دهد. هرچند نیروی قدس مستقل عمل می‌کند، اطلاعاتی را که جمعآوری می‌کند را با وزارت اطلاعات در میان می‌گذارد.
- دولت ایران مجاهدین خلق را سازمانی که بیشترین تهدید را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده، تلقی می‌کند. یکی از اصلیتترین مسئولیتهای وزارت اطلاعات انجام عملیتهای مخفی علیه مجاهدین خلق و شناسایی و از بین بردن اعضاء آن است. دیگر مخالفان ایرانی همچنین در حیطه عمل این وزارتخانه قرار می‌گیرند.
- این وزارتخانه دارای بخش دروغپراکنی می‌باشد، که مسئول تولید و انجام جنگ روانی علیه دشمنان جمهوری اسلامی است.
- توان ایران برای جمعآوری اطلاعات مخفی محدود است. مشخصاً، توانایی اطلاعات سیگنالی آن تنها یک تهدید محدود است چون هنوز تحت توسعه می‌باشد.
- هر چند ایران یک سیستم ضداطلاعات بسیار مجهز تشکیل داده تا از برنامه هسته‌یی خود حفاظت کند، به نظر می‌رسد عاملان کشورهای دیگر در نفوذ به این سیستم و دیگر دستگاه اطلاعاتی ایران، موفق بوده‌اند.

۲. اسامی گروهها و نامهای مستعار

سرویس اطلاعات ایران در زبان فارسی به نام وزارت اطلاعات و امنیت (MOIS) یا وزارت اطلاعات و امنیت کشور (واواک) شناخته میشود. مامورین آن بنام ”سربازان امام زمان“ شناخته میشوند. این نام توسط آیت... خمینی به آنها داده شد.



آرم جدید وزارت اطلاعات



آرم قدیم وزارت اطلاعات

آرم قدیم از ابتدای تاسیس این وزارت خانه بکار میرفت. یک طرح گرافیکی از الله در بالای آن قرار دارد. در زیر علامت خدا و نام جمهوری اسلامی ایران آورده شده است و در زیر آن وزارت اطلاعات نوشته شده است. آرم دیگر احتمالاً آرم جدید وزارت اطلاعات است که در برنامه های خبری در تلویزیون ملی نمایش داده شده است. این آرم بصورت یک ستاره ۸ گوش است. در فرهنگ اسلام علامت ۸ گوش یک علامت مذهبی است. دو کلمه ”لا“ که در چپ و راست آن آمده است بصورت برجسته نمایش داده شده و به معنی ”نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی“ تلقی میشود. در وسط ستاره یک چشم قرار دارد که نقش وزارت خانه را به عنوان محافظ جمهوری اسلامی ایران نشان میدهد.

۳. نوع گروه

وزارت اطلاعات قویترین وزارتخانه در ایران است که به لحاظ لجستیکی، مالی و سیاسی بخوبی پشتیبانی میشود. این یک سازمان دولتی غیر نظامی است که هم در داخل و هم در خارج ایران فعالیت میکند. متخصصان اطلاعاتی، وزارت اطلاعات ایران را بزرگترین و دینامیک ترین آژانس اطلاعاتی در خاور میانه ارزیابی میکنند. وزیر کنونی وزارت اطلاعات و امنیت این وزارتخانه را اینطور توضیح داده که از سرویسهای اطلاعاتی خارجی تأثیری نپذیرفته است. ”یکی از خصوصیات وزارت اطلاعات این است که از درون انقلاب تشکیل شد و در حقیقت این سازمان بر اساس نیازهای انقلاب شکل گرفت. این برخلاف سرویسهای اطلاعاتی دیگر در دنیا است که از یکدیگر تقلید میکنند.“

۴. اهداف

قانون اساسی ایران اهداف وزارت اطلاعات را بصورت زیر مشخص کرده:

- جمع آوری، بررسی، تولید و دسته بندی اطلاعات داخلی و خارجی
- کشف توطئه، خرابکاری، جاسوسی، فساد و آشوب بر علیه استقلال، امنیت و تمامیت ارزی جمهوری اسلامی

ایران

- حفاظت از اطلاعات، اخبار، اسناد، مدارک، امکانات و پرسنل وزارتخانه
 - آموزش و همیاری سازمان ها و ارگانها برای حفاظت از اسناد و مدارک و اشیاء مهم آنها
- فعالیت‌های داخلی وزارت اطلاعات از اولویت برخوردارند مگر اینکه ضروری شناخته شود که دخالت مستقیم آنها در عملیات خارجی لازم است. ممکن است که شورای امنیت ملی یا ولی فقیه برای وزارت اطلاعات مأموریت مشخص کنند. (به سازماندهی در زیر مراجعه کنید)
- وزارت اطلاعات دستاوردهای اثبات شده‌ای در انجام این کارها دارد. برای انجام این فعالیتها، وزارت اطلاعات با آژانسهای اطلاعاتی خارجی و همچنین سازمانهایی مثل حزب الله لبنان که به پیشبرد برنامه های خارجی جمهوری اسلامی کمک میکند، همکاری میکند.

۵. تمایل قومی، سیاسی و مذهبی

۵.۱ - ترکیب قومی

به عنوان یک آژانس رسمی دولتی ایران، وزارت اطلاعات بطور گسترده از کارمندان ایرانی تشکیل شده است ولی برای مأموریتها از ملیتهای دیگر هم عضوگیری میکند. برای مثال گفته میشود که "ان سینگلتون" که بریتانیایی است برای وزارت اطلاعات کار میکرده است. (به عضویت و عضوگیری در زیر مراجعه کنید).

۵.۲ - وابستگی سیاسی و مذهبی و آرایش ایدئولوژیک

تا قبل از انتخاب مجدد محمود احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور در سال ۲۰۰۹ اغلب پرسنل وزارت اطلاعات از اسلامگرایان سخت سر نبودند ولی برای انطباق ایدئولوژیکی مورد آزمایش قرار میگرفتند. برای نمونه در سایت فارس نیوز در ژوئیه ۲۰۰۵، وزیر اطلاعات و امنیت، قربانعلی دری نجف آبادی گفت که وقتی با وزیر خارجه پیشین علی اکبر ولایتی در مورد اشتغال به عنوان وزیر اطلاعات در دولت خاتمی (رئیس جمهور ۱۹۹۷-۲۰۰۵) مشورت خواست وی به او گفت "وزارت اطلاعات مثل یک شهر است که با دیدگاهها و گرایشات مختلف کنترل میشود."

بعد از انتخاب مجدد محمود احمدی نژاد، کشور بین ایندو تقسیم شد - یکی "رفرمیستها"، ایرانیهایی که تصمیم گرفتند ارزشهای پایه ای انقلاب ایران را حفظ کنند و سیستم را برای داشتن دموکراسی و آزادی بیشتر تغییر دهند. و دیگری سخت سران که مخالف هر گونه تغییری بودند. این تقسیم حتی در میان مقاماتی که قبلا پستهای مهم و حساس داشتند بوجود آمد. وزارت اطلاعات و امنیت هم مستثنی نبود.

بسیاری از مامورین اطلاعاتی عالی رتبه از میر حسین موسوی که رقیب احمدی نژاد و یک رفرمیست بود، حمایت کردند. ولی جناح راست فوراً شروع به حذف پشتیبانان رفرمیستها در وزارتخانه کرد. برای مثال سعید حجابیان که یک تئوریسین و استراتژیست در ایران بود را بعد از انتخابات ۲۰۰۹ به زندان انداختند اگر چه که او یکی از بنیانگذاران وزارت اطلاعات بعد از انقلاب بود.

وزارت اطلاعات تحت نظارت مستقیم ولی فقیه ایران آیت ... خامنه‌ای که ادعا میکند رهبر مسلمین جهان است عمل میکند. همانطوریکه در بالا گفته شد مامورین وزارت اطلاعات با نام "سربازان گمنام امام زمان" شناخته میشوند. امام زمان، امان دوازدهم برای مسلمانان شیعه است. ولی وزارت اطلاعات به اعتقادات شیعی محدود نمیشود. وزارت اطلاعات برابرسیدنبهاهدافش، افراد را بدون توجه به اعتقاداتشان استخدام میکند. این شامل اعراب و یهودیان برای جاسوسی در اسرائیل میشود. برای مثال معاون وزیر اطلاعات سعید امامی بخاطر سابقه خانوادگیش، به یک مقام رسمی گمارده شد اگرچه که گفته میشود در هنگام تولد یهودی بوده است.

۶. زمینه تاریخی

سیستم اطلاعات و امنیت ایران موضوع سختی برای بررسی می‌باشد چون اطلاعات بسیار کمی از آن در اختیار عموم قرار دارد. در هر صورت، قاعدتاً یک بررسی تاریخچه آژانسهای اطلاعاتی ایران باعث یک درک بهتر و یک بررسی بهتر از دستگاه اطلاعاتی امروزی ایران منجر خواهد شد. استراتژی اطلاعات ایران بایستی در سابقه تاریخی جنگ سرد و انقلاب ۱۹۷۹ ایران مورد بررسی قرار گیرد. فعالیتهای اطلاعاتی ایران عموماً به دو بخش تقسیم می‌شوند: قبل و بعد از انقلاب.

بعد از جنگ جهانی دوم، ایران به یک بازیگر بزرگ در جبهه غرب در جنگ سرد قرار گرفت. نتیجتاً، ایران از انگلستان و ایالات متحده جهت انجام عملیاتهای مخفی علیه شوروی، همسایه شمالی خود، کمک دریافت نمود.

در سال ۱۹۵۷، آمریکا و اسرائیل با محمدرضا شاه پهلوی همکاری کرده تا ساواک را تشکیل دهند. هدف آن حفاظت از رژیم در برابر اپوزیسیون داخلی بود. ساواک همچنین مسئول تضمین این بود که کمونیستها و دیگر اعضای احزاب چپگرا به نیروهای نظامی یا دیگر سازمانهای دولتی نفوذ نکنند. هرچند مسئولیت اصلی ساواک اطلاعات داخلی بود، این سازمان همچنین در فعالیتهای خارجی هم شرکت داشت. ساواک عموماً توسط پرسنل نظامی اداره می‌شد. بعد از انقلاب ۱۹۷۹، یک جزوه منتشر شده ابعاد فعالیتهای ساواک را تصویر کرد، و نشان داد ساواک یک آژانس اطلاعاتی تمام عیار با ۱۵ هزار مامور تمام وقت و هزاران خبرچین نیمه وقت بود.

ساواک نخست جهت مقابله با حزب توده (حزب کمونیست در ایران که از حمایت شوروی سابق برخوردار بود) تشکیل شد، اما به مرور فعالیتهای خود را گسترش داد و به یک آژانس اطلاعاتی پیچیده تبدیل شد. ساواک مستقیماً در تماس با دفتر نخست وزیر بود و مفروض بود که مدیر آن معاون نخست وزیر در امور امنیت ملی باشد. بسیاری از

روشهای تحقیقاتی به خوبی تدوین شده جهت نظارت بر انواع فعالیتهای سیاسی طراحی شده بودند. ساواک یک دفتر سانسور را جهت نظارت بر خبرنگاران، چهره های ادبی و آکادمیسینها در سراسر کشور اختصاص داده بود. بسیاری سازمانها، از جمله دانشگاهها، اتحادیه‌های کارگری و اصناف، و سازمانهای دهقانی شدیداً تحت نظارت توسط ساواک بودند. به مرور زمان، ساواک با بدست گرفتن اختیارات دستگیری فعالانی که به نظر می‌رسید ضد رژیم باشند، به یک سازمان فراتر از قانون تبدیل شد. برخی از این نفرات دستگیر شده برای مدتهای طولانی بدون داشتن هیچگونه سابقه جرم در زندان نگهداشته شدند. در نتیجه، ساواک به عنوان یک آژانس بی‌رحم شهرت جهانی کسب کرد.

در اوائل سالهای دهه ۱۹۶۰، نگرانی اصلی ساواک حزب توده متحد شوروی بود، و به میزانی کمتر از آن، دیگر گروههای اپوزیسیون مانند ملی‌گراها، سکولارها و احزاب لیبرال بودند. در اوائل سالهای دهه ۱۹۵۰، حزب توده از نخست وزیر محمد مصدق بدلیل تلاشهای وی جهت ملی کردن صنعت نفت ایران حمایت کرد. اما، این حمایت در هنگام کودتای ۱۹۵۳، که با پشتیبانی سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا و انگلستان جهت سرنگونی دولت مردمی مصدق صورت گرفت، ناپدید شد. در مخالفت با تصاحب منافع نفتی خود، انگلستان از عملیات آژاکس حمایت کرد که در بازگشت شاه به قدرت کمک نمود.

در اوائل سالهای دهه ۱۹۶۰، رژیم موفق شد اعتراضات فزاینده توسط اپوزیسیون شاه را سرکوب کند. این امر بوسیله ساکت کردن مخالفان توسط ساواک از طریق نفوذ در آن سازمانها و دستگیری اعضای آنها صورت گرفت. این در مورد بسیاری از دانشجویان، که بعد از ۱۹۶۳ یک جنگ چریکی علیه رژیم شاه به راه اندختند، صدق می‌کند. همین مسأله در مورد گروه کمونیستی "چریکهای فدایی" که از جبهه مردمی برای آزادی فلسطین و دیگر گروههای وابسته به سازمان آزادیبخش فلسطین، کمک آموزشی دریافت کردند، صدق می‌کند. ساواک همچنین از نزدیک بر دانشجویان مخالف در خارج از کشور نظارت داشت و ترور چهره‌های اپوزیسیون در تبعید را طراحی می‌کرد.

بعد از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، اطلاعات ایران مانند سازمانهای اطلاعاتی در هر کشور انقلابی دیگر عمل کرد - مخالفان و بریده‌های خود را در داخل و خارج از کشور شناسایی و از بین می‌برد. بنابراین، جمعآوری اطلاعات در اولویت نبود. در این زمان، سازمان آزادیبخش فلسطین در حال ارائه اکثر اطلاعات خارجی به دولت ایران بود. اما، گفته می‌شود که کی-جی-بی شوروی از این تبادل اطلاعات برای تغذیه دولت انقلابی با اطلاعات غلط استفاده می‌کرد و از این جهت مختل کردن روابط میان آمریکا و ایران را، بیش از آن که بعد از انقلاب مشکل شده بود، پیچیده‌تر می‌کرد.

از آغاز انقلاب در ۱۹۷۹، امنیت داخلی در دست کمیته‌های انقلاب اسلامی (تحت اللفظی، کمیته‌ها) بود، که آیت‌الله خمینی دستور تشکیل آنها را داده بود بدلیل این نگرانی که نیروی پلیس ممکن است بیش از حد به شاه وفادار باشند تا رژیم انقلابی جدید. مردم کمیته‌ها را در محلات در امکاناتی مانند ایستگاههای پلیس، مساجد و مراکز جوانان تشکیل

دادند. علاوه بر داشتن مسئولیت امنیت، هر کمیته دارای واحدی جهت جمعآوری اطلاعات از همسایگان خود بود. آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی، که یکی از انقلابیون نزدیک به آیت‌الله خمینی بود، مسئول کمیته‌ها بود. کمیته‌ها ممکن بود که تحت نظر وزارت کشور عمل می‌کردند. دیگر گروه‌ها هم در جمعآوری اطلاعات شرکت داشتند، از جمله قضایانی که مسئول پرونده‌های مربوط به خرابکاری توسط گروه‌های اپوزیسیون و پرونده‌های مربوط به ضداطلاعات بودند،

دولت موقت و شورای انقلاب که توسط آیت‌الله خمینی تشکیل شده بود تا وقتی که او در پاریس در تبعید بود انقلاب را هدایت کند، توانست بخشهایی از ساواک را احیاء کند، بطور خاص اداره هشتم آن که یک واحد ضداطلاعات بود. این واحد مسئول نظارت بر سفارتخانه‌های خارجی و کشف جاسوسی بود. این اداره بر کشورهای بلوک شرق، بطور خاص شوروی، و همچنین کشورهای عرب متمرکز بود. بعد از انقلاب، دکتر ابراهیم یزدی، اولین وزیر انقلاب، حیطة اختیارات این اداره را با تمرکز بر کشورهای بیشتر و با ادامه بکارگیری پرسنل ساواک گسترش داد.

در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰، دولت انقلابی انواع آژانسهای کوچک را تشکیل داد، اما برجسته‌ترین و معتبرترین آنها سازمان اطلاعات و امنیت ملی ایران، یا ساواما بود. این سازمان بر اساس بنیاد ساواک تشکیل شد. ساواما از همان روشهای ساواک جهت جمعآوری اطلاعات خارجی استفاده کرد، در حالیکه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جهت حفاظت از انقلاب و برخورد با تهدیدات داخلی تشکیل شد. بعداً، سپاه در عملیتهای اطلاعاتی خارجی درگیر شد.

دستگاه اطلاعاتی ایران در دوران شروع انقلاب به نسبت موفق عمل کرد. در ژوئیه ۱۹۸۰، این سازمان کودتاه نوژه را کشف کرد که تلاشی جهت سرنگونی دولت جدید توسط افسران وفادار به شاه بود. سپس، تعداد آژانسهای امنیتی و اطلاعاتی بطور چشمگیری افزایش یافت که باعث هرج و مرج در دستگاه اطلاعات شد. در نتیجه، محمدعلی رجایی، دومین رئیس جمهور اسلامی ایران، دفتر اطلاعات نخست وزیری را در سال ۱۹۸۱ تشکیل داد. در این زمان، مسئولیتهای اطلاعاتی بین دفتر اطلاعات نخست وزیر، سپاه، ارتش، کمیته‌ها و نیروی پلیس تقسیم شده بود.

در اوت ۱۹۸۳، مجلس تشکیل وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی ایران را با ادغام سه سازمان که دارای چهار سال سابقه در برخورد با سرویسهای اطلاعاتی خارجی و گروه‌های ضدانقلاب بودند، تصویب کرد. سه سازمان اطلاعاتی، که از سال ۱۹۷۹ فعال بودند، شامل اطلاعات سپاه، کمیته‌ها و دفتر اطلاعات نخست وزیر بودند. در آن زمان، بسیاری از مأموران سابق ساواک توسط رهبران مذهبی عفو دریافت کرده تا وزارت اطلاعات بتواند از تجربه آنها بهره برد. مشخصاً، مأموران ساواک مورد نیاز بودند تا ظرفیت اطلاعاتی ایران را افزایش داده تا از عهده جنگ با عراق در سالهای دهه ۱۹۸۰ بر بیاند.

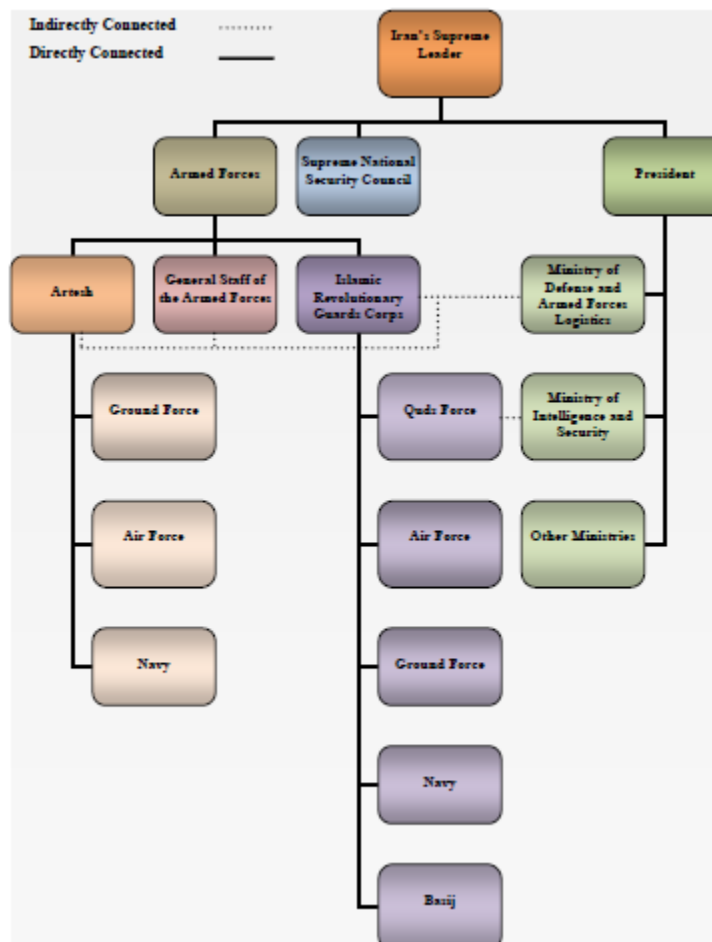
وزارت جدید مسئول توسعه یک ظرفیت قوی اطلاعاتی بود که بتواند با آژانسهای اطلاعاتی دشمنان ایران مقابله کند. این آژانسهای خارجی در گروههای ضدانقلاب نفوذ کرده و برخی همچنین در بخشهای حیاتی دولت در زمان جنگ ایران و عراق نیز نفوذ پیدا کرده بودند. علاوه بر این، دولت می‌بایستی با مخالفان خارج از کشور که مستمراً با دولت ایران مخالفت می‌کردند، برخورد کند.

هدف قرار دادن مخالفان ایرانی انقلاب مستقر در خارج از کشور یکی از اصلیترین اهداف وزارت اطلاعات در سالهای دهه ۱۹۹۰ بود. این وزارتخانه مسئول بسیاری حملات تروریستی و ترورهای مخالفان در این دهه بود، مانند ترور شاهپور بختیار (آخرین نخست وزیر شاه). ماموران وزارت اطلاعات مستقیماً در جمعآوری اطلاعات برای ترور احتمالی سلمان رشدی، یک نویسنده متولد هند که کتاب "آیات شیطانی" را نوشت، بودند. بدلیل آن چه گفته می‌شود محتوای غیراسلامی این کتاب است، آیت‌الله خمینی در فوریه ۱۹۸۹ فتوایی صادر کرد و به تمامی مسلمانان فراخوان داد تا رشدی و ناشران او را بکشند. ترور چهار عضو ایرانی - کردی حزب دمکرات کردستان در برلین در یک رستوران یونانی به نام "میکونوس" در سال ۱۹۹۲ توجهات بین‌المللی را جلب کرد. کردها و دیگر گروه‌های اقلیت قومی مانند بلوچها، ترکها و اعراب تحت نظارت وزارت اطلاعات قرار می‌گیرند چون این افراد خواهان استقلال از دولت مرکزی می‌باشند.

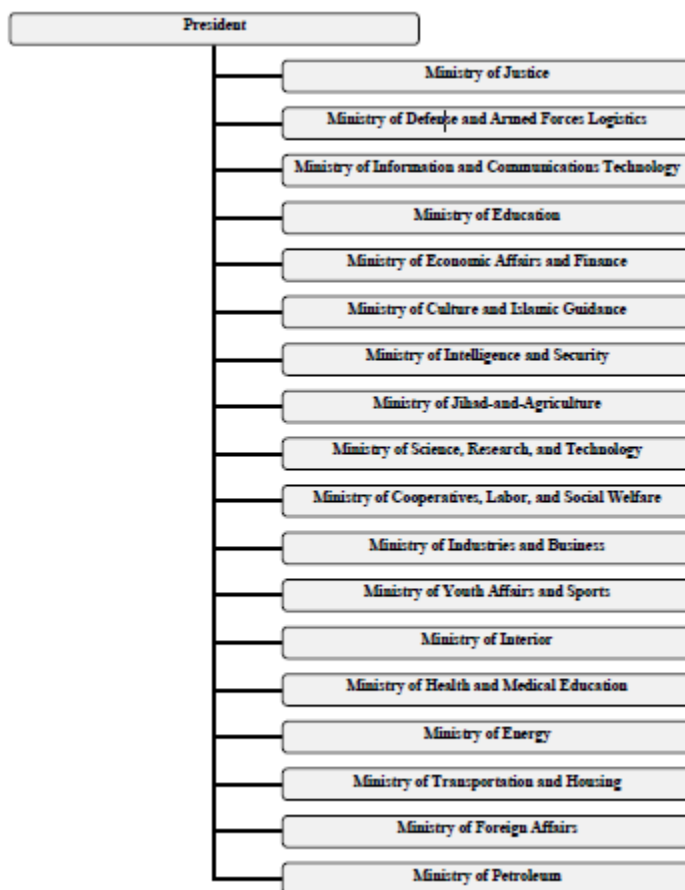
"قتلهای زنجیره‌یی" در ایران سلسله سوء قصدهایی بودند که در سالهای دهه ۱۹۹۰ جهت ساکت کردن روشنفکران مخالف ایرانی صورت گرفت. بعد از یک تحقیقات، وزارت اطلاعات با اعلان اینکه برخی از مأموران خود این جنایات را بدون اشراف وزارتخانه انجام دادند، مسئولیت این قتلها را برعهده گرفت. (به قسمت وقایع مهم تاریخی و پسرقتها مراجعه کنید). یک دادگاه آرژانتینی همچنین وزارت اطلاعات را در عضوگیری از حزب‌الله جهت بمبگذاری سفارت اسرائیل و یک مرکز یهودی در بوئینس آیرس در سال ۱۹۹۲ و ۱۹۹۴ مقصر شناخت. اما، سپاه مسئول این حوادث بود، هر چند که حتماً وزارت اطلاعات نقشی در این عملیاتها برعهده داشت. وزارت اطلاعات به تأمین لجستیکی، ارتباط میان عاملان، و همچنین اسناد مورد نیاز برای عملیاتها پرداخت.

در دهه گذشته، برنامه هسته‌یی ایران باعث انتقادات فزاینده‌یی از طرف عاملان اطلاعاتی غربی در ایران شده است. در پاسخ، وزارت اطلاعات بیشتر حول مقابله با فعالیتهای آژانسهای اطلاعات خارجی متمرکز شده است. تشکیل یک واحد ویژه ضداطلاعات و دستگیری تعدادی از کسانی که گفته می‌شود جاسوس بودند توسط واحد ضداطلاعات وزارت اطلاعات در عمل، ایران و رقبای او را در یک جنگ اطلاعاتی درگیر کرده است. (فعالیتهای وزارت اطلاعات در اوائل سالهای دهه ۲۰۰۰ در سراسر این گزارش مورد بحث خواهد بود).

وزارت اطلاعات مستقیماً به ولی فقیه ایران پاسخگو است. اگرچه رئیس جمهور وزیر اطلاعات را تعیین میکند اما ولی فقیه باید این را تأیید کند و رئیس جمهور نمیتواند وزیر اطلاعات را بدون تأیید ولی فقیه از کار برکنار کند. این موضوع را در آوریل ۲۰۱۱ وقتیکه احمدی نژاد از وزیر کنونی حیدر مصلحی خواست استعفا بدهد میتوان دید. این بخاطر اختلافی بود بین مصلحی و رحیم مشایی مشاور رئیس جمهور که طراح سیاستهای وی بود. رحیم مشایی مخالفین زیادی در بین محافظه کاران (سخت سران) دارد. بعد از استعفای مصلحی، ولی فقیه علی خامنه ای در خواست احمدی نژاد را تأیید نکرد و رئیس جمهور مجبور شد که مصلحی را در کابینه خود نگه دارد. نمودار زیر محل وزارت اطلاعات را در سلسله مراتب آژانسهای اطلاعاتی ایران نشان میدهد. (همچنین به ضمیمه شماره ۴ مراجعه کنید).



وزارتخانه هایی که زیر دست رئیس جمهور عمل میکنند در چارت زیر لیست شده اند:



طبق قانون اساسی ایران، ولی فقیه سیاست خارجی و داخلی را هدایت میکند. وی فرمانده کل قوای نیروهای مسلح است و عملیاتهای اطلاعاتی را کنترل میکند. بنابر این، هم وزارت اطلاعات و هم اطلاعات سپاه شامل نیروی قدس مستقیماً به ولی فقیه گزارش میدهند.

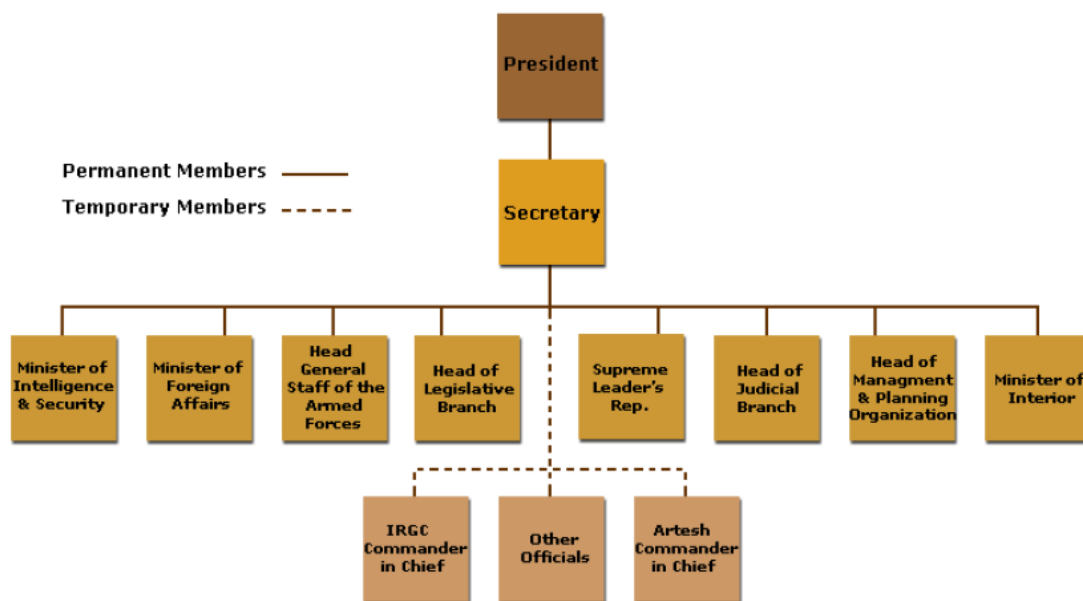
رئیس جمهور مقام بلند پایه دوم رسمی در ایران است. ولی قانون اساسی نفوذ وی را محدود میکند. تمامی قوه مجریه تابع ولی فقیه است، بخصوص وزارت اطلاعات و تعداد کم دیگری وزارتخانه‌ها مثل وزارت خارجه و وزارت نفت. دستگاه اطلاعاتی ایران از قسمتهای مختلفی تشکیل شده است، یکی از آنها وزارت اطلاعات است. بر طبق قانون اساسی ایران در رابطه با تشکیل وزارتخانه‌ها، ماده یک اصل یک، سازمانهای نظامی باید اطلاعات نظامی خود را با وزارت اطلاعات هماهنگ کنند. در ماده ۲ از همین اصل وزارتخانه‌ها، سازمانها، شرکتهای دولتی، ارتش و نیروی پلیس موظف شده اند که اطلاعات ویژه جمع آوری کرده و آنها را با وزارت اطلاعات مشترک شوند و هر اطلاعاتی که این وزارتخانه میخواهد را در اختیار آن قرار دهند. قانون اساسی تصریح کرده است که وزارت اطلاعات مسئول فعالیتهای اطلاعاتی در داخل و خارج ایران است. علاوه بر این، ماده ۵ و ۶، مسئولیت سپاه و وزارت اطلاعات و چگونگی همکاری آنها را مشخص کرده است. ماده ۵ سپاه پاسداران را موظف کرده که سیاستهای وزارت اطلاعات را در رابطه با مخالفین ضد انقلاب داخلی انجام دهند، سپاه پاسداران میتواند به کمک وزارت اطلاعات به جمع آوری، بررسی و تولید اطلاعات برای شناسایی ضد انقلاب بپردازد.

بنابر این سپاه پاسداران و شاخه عملیاتی خارجی آن، نیروی قدس موظف هستند که فعالیتهای خود را به وزارت اطلاعات به عنوان بالاترین مقام اطلاعاتی در جمهوری اسلامی ایران گزارش کنند. در ازای آن وزارت اطلاعات به آنها

پشتیبانی لجستیکی ارائه میدهد و جنبه های ارتباطی عملیاتها را بدست میگیرد که با شرکت مامورین نیروی قدس و سازمانهای خارجی که با نیروی قدس کار میکنند مثل حزب الله انجام میشود.

وزارت اطلاعات سازمان اصلی است که در عملیاتهاى اطلاعاتی که امنیت ملی را حفظ میکند دخیل است. اینکار را با جمع آوری اطلاعات انجام میدهد. اما شورای عالی امنیت ملی سیاستهای امنیت ملی را مشخص میکند و اطمینان حاصل میکند که این سیاستها در راستای دیدگاه ولی فقیه باشد. ماده ۱۷۶ قانون اساسی ایران شورای عالی امنیت ملی را تاسیس کرده و مسئولیت "حفظ جمهوری اسلامی، حفظ تمامیت ارزی و استقلال ملی" را به آن داده است. اعضای این شورا شامل رئیس جمهور، رئیس قوه مقننه (سخنگوی مجلس)، رئیس قضاییه، رئیس ستاد نیروهای مسلح، وزیر خارجه، وزیر کشور و وزیر اطلاعات همراه با دو نماینده از طرف ولی فقیه که یکی از آنها معمولا مدیر شورا میشود، میباشد. این شورا میتواند اعضای موقت داشته باشد شامل فرماندهان سپاه پاسداران و فرمانده ارتش، یا وزرا و مقامات دیگر که در رابطه با موضوع خاصی مسئولیت داشته باشند. ولی فقیه فعالیتهای شورا را کنترل میکند. (به نمودار ۳ در زیر توجه کنید)

Iran's Supreme National Security Council



همانطوریکه قبلا گفته شد سپاه هم در عملیاتهاى اطلاعاتی ایران دخیل است. روابط بین ولی فقیه، خامنه ای و سپاه که در سال ۱۹۸۰ در شروع جنگ ایران-عراق تشکیل شد (در آن زمان خامنه ای وزیر دفاع بود) منجر به دخیل بودن بیشتر سپاه در امور دولت شد. حمایت همه جانبه ولی فقیه از سپاه، آنرا به قویترین موجودیت در دولت ایران در بخشهای گوناگون کرده است. این شامل امور اقتصادی و نظامی و همچنین در صحنه سیاسی میشود (بطور مثال در دولت فعلی بیش از نیمی از وزرا از افسران سپاه هستند). در نتیجه در عرصه اطلاعاتی هم سپاه بسیار فعال است. نیروی قدس (که اساسا مسئول عملیاتهاى برون مرزی است) و اطلاعات سپاه، دو سازمان موثر اطلاعاتی در جمهوری اسلامی ایران هستند که بطور موازی با وزارت اطلاعات کار میکنند. اطلاعات سپاه در ابتدا، هنگام تشکیل سپاه در سال ۱۹۸۰،

تحت نام دفتر اطلاعات سپاه کار میکرد. بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ دفتر اطلاعات سپاه کار خود را به عنوان یک "سازمان" ادامه داد و فرامین خود را از ولی فقیه میگرفت.

تشکیل یک سازمان اطلاعاتی دیگر در ایران در زمان محمد خاتمی که در سال ۱۹۹۷ رئیس جمهور شد، اتفاق افتاد. عدم اعتماد به دولت جدید خاتمی که دیدگاههای لیبرال داشت باعث شد که ولی فقیه یک گروه اطلاعاتی جدید مثل اطلاعات در سپاه، پلیس و قضایه تشکیل دهد. بعد از انتخاب احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور در ۲۰۰۵ و بعد از اختلافات بسیار بین وی و ولی فقیه، آیت... خامنه ای تصمیم گرفت که سازمان اطلاعات سپاه را به عنوان سازمان جایگزین که بطور موازی با وزارت اطلاعات کار کند نگه دارد. دلیل این امر این بود که رئیس جمهور به هر صورت میتواند روی جهت گیری وزارتخانه تاثیر بگذارد ولی سپاه کاملا تحت فرمان ولی فقیه است.

ماده ۶ قانون اساسی وظایف اطلاعات سپاه را اینگونه مشخص میکند:

- تهیه اطلاعات نظامی
 - کسب اطلاعات ضروری از وزارت اطلاعات و امنیت قبل از انجام هر عملیاتی که توسط مقامات قضایی دستور داده شده باشد (سپاه یکی از سازمانهایی است که به عنوان بازوی اجرایی قوه قضایه عمل میکند) و
 - رساندن اطلاعات به وزارت اطلاعات و امنیت
- نیروی قدس از نزدیک با وزارت اطلاعات کار میکند. در حقیقت بنظر میرسد که نیروی قدس بعنوان بازوی اطلاعاتی خارجی ایران عمل میکند، ولی نیروهای وزارت اطلاعات روی موضوعات داخلی کار میکنند. اما وزارت امنیت نقش کلیدی در عملیات خارج از ایران در موارد زیر دارد:

- نفوذ به گروه های اپوزیسیون ایرانی
- تشکیل شبکه های تروریستی و گروه های نظامی (این بخش مورد علاقه نیروهای قدس هم هست).
- شناسایی تهدیدات خارجی بخصوص آنهایی که متوجه فعالیتهای اتمی ایران میشوند و مقابله با آژانسهای اطلاعاتی خارجی مثل سازمان سیا و موساد
- پخش اطلاعات گمراه کننده
- کسب تکنولوژی برای صنعت نظامی ایران

هیچ تقسیم قدرت و مسئولیت مشخصی بین وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه وجود ندارد و تحلیل گران معتقدند که این عدم تعریف مسئولیتها و تداخل محدوده ها باعث اصطکاک بین آنها شده است. به نظر میرسد که در برخی موارد نیروی قدس سپاه پاسداران و اطلاعات سپاه، آنطور که باید، اطلاعاتشان را با وزارت اطلاعات به اشتراک نگذاشته اند. این شکاف در زمانی که خاتمی رئیس جمهور بود بیشتر بود و فرمیتهای زیادی مقامهای مهمی را در وزارتخانه اشغال کرده بودند. بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹، سپاه، وزارت اطلاعات را به خاطر عدم انجام مسئولیتهایش سرزنش کرد و مدعی شد که این امر باعث آشفتگیهای عظیم و غیر مترقبه بعد از انتخابات شد.

در سال ۱۹۹۶ دولت ایران سازمانی تحت عنوان شورای عالی در امور اطلاعاتی تحت نظر وزیر اطلاعات تشکیل داد تا سیاستها را با شورای عالی امنیت ملی هماهنگ کند. وزیر اطلاعات و امنیت مسئول شورای عالی در امور اطلاعاتی است. این سازمان پوششی ۲۰،۰۰۰ کارمند و ۱۲ بخش مختلف دارد. هدف از تشکیل این شورا روشن نیست ولی

میتوان تصور کرد که جمهوری اسلامی تلاش میکند یک سیستم موازی با شورای عالی امنیت ملی درست کند تا مطمئن شود که هر عملکرد شورا در راستای دادگاه ولی فقیه باشد. بر اساس اطلاعات موجود وزارت اطلاعات دارای ۱۵ مدیریت است:

۱. امنیت
۲. ضد اطلاعات
۳. عملیات برون مرزی
۴. تحقیقات امنیتی (حفاظت)
۵. تکنولوژی
۶. سیاست
۷. ارزیابی و امور استراتژیک
۸. آموزش
۹. تحقیقات
۱۰. آرشیو و اسناد
۱۱. نیروی انسانی
۱۲. مدیریت و مالی
۱۳. روابط قانونی - پارلمانی
۱۴. اقتصاد
۱۵. فرهنگی - اجتماعی

اطلاعات کمی در مورد این مدیریتها در دست است ولی وزارت اطلاعات دفاتر متعددی دارد که در جدول شماره ۱ آمده است. به نظر میرسد که مدیریت امنیت نقش حیاتی در این سازمان دارد. بخاطر این است که مسئولیت آن بطور مستقیم در رابطه با امنیت ملی است.

بخشی در وزارت اطلاعات به نام بخش دروغ پردازی وجود دارد که یا بطور مستقل عمل میکند و یا تحت یکی دیگر از مدیریتها است. (برای اطلاعات بیشتر، به بخش کنترل رسانه ها تحتتیر روشهای عملیات و تاکتیک که در زیر آمده مراجعه کنید)

Table 1. MOIS Directorates and Subordinate Offices	
Name of Directorate	Name of Office(s)
Security	Office of Security, Office of Operations, Office of Protection
Counterintelligence	Office of Counterintelligence
Foreign [Operations]	Office of Europe, Office of Africa, Office of the Americas, Office of the United States, Office of the Middle East, Office of Palestine and Israel, Office of Asia and the Pacific
Security Investigation	Office of Security Investigations, Office of Complaints
Technology	Office of New Technology, Office of Spying Technology
Politics	Office of Politics
Evaluation and Strategic Affairs	Office of Evaluation
Education	Office of Education
Research	Office of Research
Archives and Documents	Office of Archives and Documents
Manpower	Office of Manpower, Office of Welfare Service

Table 1. MOIS Directorates and Subordinate Offices	
Name of Directorate	Name of Office(s)
Administration and Finance	Office of Finance, Office of Administration
Legal-Parliamentary Relations	Office of Legal Relations, Office of Parliamentary Relations
Economy	Office of Economy, Office of Fighting Corruption
Cultural-Social	Cultural Office, Social Office

Source: <http://www.varzesh11.blogfa.com/cat-417.aspx>

۸. رهبران اصلی

بر اساس یک لایحه مجلس در سال ۱۹۸۳، وزیر اطلاعات و امنیت بایستی صلاحیتهای زیر را دارا باشد:

- یک درجه تحصیلی در اجتهاد
- از هرگونه عضویت در حزب یا گروه سیاسی خودداری کند
- شهرتی از کمال شخصی، و
- گذشته‌یی قوی در زمینه سیاسی و مدیریت.

اولین وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ایران محمد ریشه‌ری بود. وی یکی از بنیانگذاران این سازمان که بدنبال توسعه سیاستها و روشهای کار آن بود (به عکس شماره ۴ در زیر مراجعه کنید).

وقتی علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی در سال ۱۹۸۹ رئیس جمهور شد، علی فلاحیان به عنوان وزیر اطلاعات منصوب شد، موقعیتی که برای ۸ سال در آن قرار داشت. بسیاری از حملات تروریستی علیه مخالفان جمهوری اسلامی بعد از منصب وی به عنوان وزیر اطلاعات صورت گرفت، از جمله حمله به رهبران مخالف ایرانی - کردی در برلین، که

به عنوان "ترورهای میکونوس" شناخته می‌شود، بمبگذاری یک مرکز اجتماعی اسرائیلی - آرژانتینی در بوئینس آیرس آرژانتین در ۱۹۹۴، و حمله به برجهای خبر در عربستان سعودی در ۱۹۹۶. فلاحیان کماکان تحت یک حکم بازداشت بین‌المللی برای دستگیری او که در سال ۱۹۹۶ توسط یک دادگاه آلمانی بدلیل نقش او در قتل‌های رهبران ایرانی - کردی صادر شد، تحت تعقیب است.

بعد از این محمد خاتمی در سال ۱۹۹۷ رئیس‌جمهور شد، قربانعلی دوری نجف‌آبادی جای فلاحیان را گرفت. تحت ریاست او بر این وزارتخانه بود که "قتلهای زنجیره‌یی ایران" رخ داد. بدلیل انعکاس رسانه‌های بین‌المللی گسترده‌یی که به این موضوع داده شد، وی مجبور به استعفا گردید. بسیاری از تحلیلگران ایرانی معتقدند فلاحیان پشت تمامی این ترورها بوده و او بوده که این حملات تروریستی علیه نویسندگان و روشنفکران مخالف را طراحی کرده بود.

وزیر بعدی، باز در دوره ریاست جمهوری خاتمی، علی یونسی بود. در دوره او، وقتی وزیر بیشتر در فعالیتهای اقتصادی فعال شد، او هرگونه انباشت قدرت و سرمایه در وزارتخانه را جهت جلوگیری از فساد متوقف کرد. بدلیل دیدگاههای لیبرالی خود او دارای مخالفان بسیار زیادی میان محافظه‌کاران در ایران بود.

بعد از انتخاب احمدی‌نژاد در ۲۰۰۵، وی غلام‌حسین محسنی‌اژه‌ای را به عنوان وزیر اطلاعات و امنیت منصوب کرد. اما، بدلیل یک نزاع میان اژه‌ای و احمدی‌نژاد پیرامون مشایبی، مشاور رئیس‌جمهور، اژه‌ای در پایان اولین دوره احمدی‌نژاد استعفا داد و حیدر مصلحی جایگزین وی شد. تحت ریاست مصلحی، وزارت اطلاعات عبدالملک ریگی، رهبر جندالله، یک گروه اپوزیسیون فعال در جنوب شرقی ایران، و همچنین بسیاری از عاملین فعال در شبکه‌های جاسوسی در داخل ایران را دستگیر نمود. بکارگیری او از رسانه‌ها جهت تبلیغ موفقیت‌های وزارت اطلاعات شهرت وی را در میان سخت‌سران در ایران بالا برد.

یک بررسی سابقه وزیران اطلاعات مختلف به مشاهدات زیر منجر می‌شود:

- اغلب آنها از مدرسه حقانی قم، یک مدرسه شیعه که توسط گروهی از ملایان سخت‌سر دست راستی کنترل می‌شود، فارغ‌التحصیل شدند.
- همه آنها در حقوق تحصیل کردند، چه در مدارس آکادمیک یا مذهبی
- بسیاری از آنها در پست‌هایی از قوه قضایه دولت خدمت کردند (مانند دادستانها، رئیس دادگاه انقلاب اسلامی، دادستان کل)
- همه آنها دارای ایدئولوژی سیاسی و مذهبی محافظه‌کارانه داشتند
- همگی آنها آخوند بودند (یعنی، قانون آنها را ملزم به دارای درجه‌یی در اجتهاد از یک مدرسه مذهبی می‌نمود)

مصلحی، وزیر اطلاعات فعلی، در دفعات مختلف گفته است که بسیاری از اطلاعات جمعآوری شده این وزارتخانه بر اساس اطلاعات دریافت شده از مردم عامه است. وزارت اطلاعات یک شماره تلفن ۱۱۳ برای ایرانیان راهاندازی کرده تا بتوانند فعالیتهای مشکوک را گزارش کنند.





Saeed Hajjarian

Source: <http://www.rferl.org>

بسیاری از معاونین، ریاست بخشهای مختلفی از وزارت اطلاعات را از زمان تأسیس آن برعهده داشته‌اند. یکی از آنها سعید حجاریان، یکی از بنیانگذاران این وزارتخانه، بود. عقیده بر این است که وی مغز اصلی دستگاه اطلاعاتی ایران بعد از انقلاب بود. وی بعد از تأسیس وزارتخانه در سال ۱۹۸۴ به عنوان معاون اولین وزیر اطلاعات و امنیت (ریشهری) منصوب شد و دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی را طراحی و سازمان داد. وقتی فلاحیان، دومین وزیر

اطلاعات و یک روحانی سخت‌سر، ریاست این وزارتخانه را برعهده گرفت، حجاریان وزارت اطلاعات را ترک کرد چون معتقد بود وزیر جدید یک شهرت جنجال برانگیز داشت. حجاریان و دیگر انقلابیون چپگرا فهم کردند که ایران نیاز به یک بازگشایی سیاسی دارد. در غیر این صورت، جمهوری اسلامی دوام نخواهد آورد. بنابراین، او به اصلیتترین استراتژیست جنبش اصلاحات در ایران تبدیل شد. بعد از انتخاب خاتمی به عنوان رئیس جمهور در ۱۹۹۷، خاتمی او را به عنوان مشاور خود منصوب کرد. در سال ۲۰۰۰، حجاریان توسط سخت‌سران ترور شد.



Saeed Emami

Source: <http://www.iradj-shokri.blogspot.com/>

سعید امامی، (یا سعید اسلامی) مدیر بخش امنیت و جنجالترین معاون وزارت اطلاعات بود چون مسئول عملیات موسوم به "قتلهای زنجیره‌یی" بود که در سالهای دهه ۱۹۹۰ باعث ترور روشنفکران ایرانی گردید. مدرک او در آمریکا در سال ۱۹۷۷ و سابقه خانوادهاش (آنها با رژیم شاه ارتباط داشتند) سئوالاتی در مورد وفاداری وی و مناسب بودن او برای استخدام توسط وزارت اطلاعات برانگیخت. تحت ریاست ریشهری، امامی یک پست کلیدی در بخش خارجی داشت. بعد از اینکه فلاحیان به پست وزیر اطلاعات منصوب شد، امامی مدیر بخش امنیت گردید که اصلیتترین بخش این وزارتخانه می‌باشد. بعد از سلسله‌یی

از قتلهای روشنفکران ایرانی، که باعث شد رئیس جمهور خاتمی تحقیقاتی را انجام دهد، نقش امامی در آن قتلها فاش شد و او دستگیر گردید. بعدها وزارت اطلاعات اعلام کرد که امامی در زندان خودکشی کرد.

مصطفی پورمحمدی قبل از اینکه به عنوان رئیس بخش ضداطلاعات وزارت اطلاعات در سال ۱۹۸۷ منصوب شود، دادستان دادگاه انقلاب اسلامی - یک دادگاه ویژه در ایران که افرادی که ظن بر تهدید علیه انقلاب و اسلام می‌باشند را محاکمه می‌کند - در استانهای خوزستان و خراسان بود. در سالها ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۸، وی پست مدیر بخش خارجی وزارت اطلاعات را برعهده داشت. در سال ۲۰۰۵، بعد از انتخاب دور اول رئیس جمهور احمدی‌نژاد، او کاندید اصلی برای وزارت اطلاعات بود. اما، او در نهایت به عنوان وزیر کشور منصوب شد. وی در سال ۲۰۰۸ توسط احمدی‌نژاد بدلیل اختلافات جدی با رئیس جمهوری، مجبور به استعفا گردید.



Mostafa Poormohammadi

Source:

<http://ar.electionsmeter.com/>

در هر زمان ممکن، به سختی می‌توان بالاترین مقامات وزارت اطلاعات غیر از خود وزیر را شناسایی کرد. اما تحت دولت فعلی، فردی به نام قائمی به نظر می‌رسد که معاون وزیر باشد، و فرد دیگری به نام آهنگران به نظر می‌رسد که بخش تکنولوژی را اداره کند.

۹. مقر اصلی

به نظر می‌رسد مقر اصلی وزارت اطلاعات در شمال تهران باشد (به نقشه و عکسها در قسمت ضمایم مراجعه کنید).

۱۰. فرماندهی و کنترل

وزارت اطلاعات دارای یک بودجه سری است و مسئول پاسخگویی به هیچ سازمان دولتی نیست، از جمله کابینه یا مجلس. این وزارتخانه کماکان فراتر از قانون است و تنها به خود ولی فقیه، که در حال حاضر آیت‌الله خامنه‌ای است، پاسخگو می‌باشد.

همانطور که فوقاً گفته شده است، ولی فقیه ایران سیاستهای امنیت ملی جمهوری اسلامی را مشخص می‌کند (به قسمت سازماندهی مراجعه کنید). رئیس جمهور بایستی تأییدیه ولی فقیه را در انتخاب وزیر اطلاعات خود داشته باشد چون ولی فقیه مشاوره را دریافت کرده و با این وزارتخانه بطور مستقیم جهت اعمال سیاستهای خود کار می‌کند. در رابطه با پروسدورها، به نظر می‌رسد که ولی فقیه سیاستهای عام خود را مورد بحث قرار داده و به شورای عالی امنیت ملی ارجاع می‌دهد، و وزارت اطلاعات، به عنوان عضوی از این شورا، این سیاستها را با توجه به فعالیتهای اطلاعاتی پیاده

می‌کند. همچنین به نظر می‌رسد که ولی فقیه ممکن است دستوری را مستقیماً به وزیر اطلاعات برای مأموریت‌های مخفی‌تر و مشخص‌تر، ارجاع دهد.

۱۱. ابعاد عضویت

با بیش از ۳۰ هزار افسر و پرسنل پشتیبانی، وزارت اطلاعات توسط بسیاری از متخصصین به عنوان یکی از بزرگترین و فعالترین آژانس‌های اطلاعاتی در خاورمیانه محسوب می‌شود.

۱۲. عضویت و نیروگیری

قانون اساسی ایران (ماده ۱۲) مأموران وزارت اطلاعات را از عضویت در هرگونه حزب یا گروه سیاسی منع کرده است. مأموران وزارت اطلاعات پرونده‌های بسیار سخت بررسی را طی کرده تا اینکه بتوانند به بخشی از مأموریتها و عملیات وزارت اطلاعات در آیند، که می‌تواند در صورت فاش شدن برای عموم شامل بالاترین مقامات دولتی باشد.

دو روش برای عضویت در وزارت اطلاعات وجود دارد. یک روش انجام آزمایشات ورود در رشته‌های مشخص درخواست شده توسط وزارت اطلاعات در دانشگاه امام محمد باقر در تهران است. این دانشگاه در ارتباط با وزارت اطلاعات می‌باشد. وزارت اطلاعات سه برابر کاندیداهایی که می‌تواند در برگرد را قبول کرده و سپس آنها را وارد آزمایشات فیزیکی، هوش و شخصیتی، و همچنین مصاحبه‌ها و تحقیقات حول سوابق می‌نماید. آزمایش فیزیکی در وزارت اطلاعات به سختی دیگر تأسیسات آموزشی دولتی در ارتش یا نیروهای ویژه نیست. این الزام‌آور است که اعضاء روی فرم باشند، اما آزمایشات هوش و شخصیتی مهمتر از آزمایش فیزیکی است. این آزمایشات در دفتر اطلاعات در شهر همدان، واقع در غرب ایران، انجام می‌شوند. مصاحبه‌ها در واحدهای انتخابی میان آژانس‌های اطلاعاتی استانی وزارت اطلاعات صورت می‌گیرند.

مدرسه اطلاعات دانشگاه امام محمد باقر در سال ۲۰۱۲ دانشجویانی را در رشته‌های زیر برای مدارک لیسانس قبول کرد:

Major Orientation	Major Orientation	Gender	Capacity
Political Science	Security Studies	Male	100
Social Science	Security Studies	Male	100
Management	Intelligence and Communications Management	Male	100

It also accepted students for master's degrees in the following majors:⁵⁷

Group Major	Orientation	Gender	Capacity	
Liberal Arts	Political Science	Security Studies	Male	38
Technology and Engineering	Electronic-Telecommunications Engineering	Electronic Data	Male	19
Science	Forensic Science	Biology and chemical information	Male	

هر سال وزارت اطلاعات بطور علنی فرصتهایی برای مطالعات در بخشهای مختلف بر اساس نیاز خود را اعلام می کند.

روش دیگری برای عضویت در وزارت اطلاعات توصیه از جانب یک کارمند وزارت اطلاعات است. کارمندان وزارت اطلاعات معمولاً اقوام خود و افرادی که دارای ارتباط نزدیک با آنها هستند را پیشنهاد می کنند. واحدهای انتخابی کاندیداها را به مراکز درمانی وزارت اطلاعات در استان زادگاه آنها می فرستند. بعد از تأیید سلامتی آنها، کاندیداها به همدان جهت انجام آزمایشات هوش و شخصیتی فرستاده می شوند. اگر کاندیداها قبول شوند، افسران وزارت اطلاعات مصاحبه هایی با آنها حول مسایل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با آنها انجام می دهند. مصاحبه و تحقیقات سوابق امر می تواند بین ۹ ماه تا ۲ سال طول بکشد. کاندیداهای موفق سپس وارد دانشگاه امام محمد باقر برای گذراندن آموزش اطلاعاتی می شوند. بعد از بررسی تواناییهای آنها، کاندیداها به یکی از دفاتر استانهای اقامت خود فرستاده می شوند. درآمد آنها بستگی به مکان و دفتری که کاندید مربوطه به آن اختصاص داده می شود، دارد. کارمندان بخش امنیت و مأموران که در بخشهای ضدتروریسم و اطلاعات وزارت اطلاعات فعال هستند به احتمال قوی بالاترین درآمدها را دارند. کارمندان وزارت اطلاعات در هنگام ورود به این سازمان نام مستعار دریافت می کنند.

شرایط یک متقاضی به صورت زیر است:

- اعتقاد به اسلام
- شهروندی ایرانی و اعتقاد به ولایت فقیه و جمهوری اسلامی
- سلامتی روانی و فیزیکی که توسط پزشکان وزارت اطلاعات چک شده باشد

- هیچگونه تعهد به دیگر سازمانهای دولتی نداشته باشد
- حداقل نمره ۱۲ (از ۲۰) در علوم و ریاضیات در دبیرستان و ۱۴ (از ۲۰) برای رشته‌های دیگر، و
- حداکثر ۲۲ سال سن برای افراد دارای مدرک لیسانس و ۲۷ سال برای افراد فارغ التحصیل

وزارت اطلاعات در خارج از ایران هم عضو گیری میکنند، از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ اعضای سابق مجاهدین خلق را در اروپا عضو گیری کرد و از آنها برای راه اندازی یک کمپین اطلاعات دروغ علیه مجاهدین به کار گرفت. ام ای کی یک گروه ضد جمهوری اسلامی است که فلسفه آن ترکیبی از اسلام و مارکسیسم است. این گروه در دهه ۱۹۶۰ تشکیل شده و نقش مهمی در انقلاب ایران ایفا نمود. اما بعد از انقلاب و به واسطه اختلافات ایدئولوژیکی که با دولت داشت جمهوری اسلامی ام ای کی را به عنوان تهدیدی برای انقلاب تلقی نمود. در اوایل دهه ۱۹۸۰ صدام حسین و رژیم بعثی او در عراق تبدیل به حامیان اصلی این گروه شدند. ام ای کی عملیات تروریستی متعددی علیه منافع ایران در داخل و خارج ایران انجام داده است. دولت ایران و دستگاه اطلاعاتی آن ام ای کی را جدی ترین سازمان مخالف در رابطه با انقلاب میدانند. مقر اصلی ام ای کی در کمپ اشرف عراق است. بعد از سرنگونی رژیم بعث در عراق در سال ۲۰۰۳ این گروه حمایت اصلی خود را از دست داد. بعد از جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس علیه عراق وزارت اطلاعات جنگ روانی علیه ام ای کی را یکی از اصلی ترین اهداف خود قرارداد اما علیرغم اینها ام ای کی به عنوان یک سازمان سرپا باقیمانده است. علاوه بر ام ای کی، آدم کشان وزارت اطلاعات چهره های دیگر اپوزیسیون در خارج ایران از جمله در بغداد، برلین، دوی، ژنو، استانبول، کراچی، اسلو، پاریس، رم و استکهلم را مورد هدف قرار داده است.^{۶۱}

استخدام یک فرد انگلیسی به نام ان سینگلتون و همسر ایرانی او مسعود خدابنده یک نمونه گویاست از اینکه وزارت اطلاعات چگونه غیر ایرانی‌ها را مجبور به همکاری میکند. ان سینگلتون در اواخر دهه ۱۹۸۰ با ام ای کی کار میکرد. مسعود خدابنده و برادر او ابراهیم در آن زمان هر دو از اعضای ام ای کی بودند. در سال ۱۹۹۶ مسعود خدابنده تصمیم به ترک این سازمان گرفت. بعد او با ان سینگلتون ازدواج نمود به فاصله کمی بعد از این ازدواج وزارت اطلاعات آنها را مجبور به همکاری نمود با تهدید به اینکه اموال گسترده مادر خدابنده را در تهران ضبط می نماید. سینگلتون و خدابنده بعد موافقت کردند که برای وزارت اطلاعات کار و علیه ام ای کی جاسوسی کنند. در ۲۰۰۲ سینگلتون در تهران با عوامل وزارت اطلاعات که نسبت به سابقه او علاقمند بودند ملاقات کرد. او پذیرفت که با وزارت اطلاعات همکاری کند که جان

برادر همسرش که هنوز یک عضو ام ای کی بود را نجات بدهد. در حین اقامت خود در تهران ان سینگلتون آموزشها و تعلیمات وزارت اطلاعات را فرا گرفت و به دنبال بازگشت به انگلستان در زمستان ۲۰۰۲ او سایت ایران-اینترلینک را راه اندازی کرد. بعد از اینکه او سفرهای زیادی به ایران و سنگاپور- کشوری که وزارت اطلاعات در آنجا با عناصر خارجی خود ارتباط میگیرد- نمود، ام ای کی نسبت به وفاداری سینگلتون و خدابنده به سازمان دچار شک شد. در سال ۲۰۰۴ سینگلتون بالاخره برادر



Anne Singleton and Masoud
Khodabandeh
Source: <http://www.mesconsult.com/>

همسر خود به نام ابراهیم را بعد از اینکه درسوریه دستگیرشده و از سوریه به ایران فرستاده شده بود ملاقات کرد (به نظرمیرسد که سوری ها از نزدیک با وزارت اطلاعات همکاری میکنند). نهایتاً وزارت اطلاعات ابراهیم را هم مجبور به همکاری نمود.^{۶۲}

(درپاورقی نوشته که مطلب درمورد مسعودخدابنده را براساس مقاله زوکر آورده است.)

بعد از اینکه احمدی نژاد رئیس جمهور شد، وزارت اطلاعات مجدداً بخش خارجه خود را جهت عضوگیری افراد خارجی احیاء نمود. بودجه‌های هنگفت به وزارت اطلاعات اجازه می‌دهد نه تنها جهادگرایان در عراق و افغانستان را عضوگیری کند، بلکه همچنین جاسوسها و مأموران خارجی برای انجام کارزارهای دروغپراکنی را استخدام کند. روش عضوگیری افراد خارجی تقریباً مانند روشی است که برای ایرانیان استفاده می‌شود. مأموران وزارت اطلاعات کاندیدهای احتمالی را شناسایی کرده و با آنها برخورد می‌کنند. اگر افراد واکنش مثبت داشته باشند، سفارت ایران در کشورهای اقامتشان با آنها تماس گرفته و قبل از اعزام آنها به ایران، یک مصاحبه غیررسمی تحت عنوانی مانند یک دیدار یا سمینار انجام می‌دهد. کاندیدهایی که حاضر به همکاری هستند به مقرهایی در تهران یا قم برای آموزش اعزام می‌شوند. وزارت اطلاعات مأموران خارجی خود را عموماً از کشورهای مسلمان، و مشخصاً عراق و لبنان، عضوگیری می‌کند، و سپس از دیگر کشورهای شیعه. وزارت اطلاعات مراکز عضوگیری برای افراد خارجی در کشورهای خلیج فارس، یمن، سودان، لبنان، فلسطین، اروپا و آسیای جنوبی، و آمریکای شمالی و جنوبی (بطور خاص مرز سه‌گانه این قاره که جمعیت بزرگ لبنانی را دارد).

۱۳. آموزش و تلقین فکری

کاندیدهای منتخب، آموزشهای خود را در تهران و قم دریافت می‌کنند. مدرسه اطلاعات وزارت اطلاعات، تشکیل شده در ۱۹۸۶ توسط ولی فقیه آیت‌الله خامنه‌ای، مسئول آموزش مأموران وزارت اطلاعات است. واحد انتخاب وزارت اطلاعات، کاندیداها برای آموزش را انتخاب کرده و سپس آنها را استخدام می‌کند (به قسمت عضویت و نیروگیری مراجعه کنید). بخش علوم سیاسی آموزشهایی در زمینه مطالعات استراتژیک و امنیتی به دانشجویان مرد و زن ارائه می‌دهد، اما وزارت اطلاعات همیشه دانشجویان زن را قبول نمی‌کند. برای انتخاب شدن در این آموزش، فرد بایستی حداکثر ۲۷ سال سن داشته باشد و به اسلام و عقیده ولایت فقیه (حفاظت از فقیه) ایمان مومن و متعهد باشد. این یک تئوری شیعه، توسعه یافته توسط دولت ایران، می‌باشد که به فقیه اختیار تولید یا سرپرستی بر مسلمانان می‌دهد. (از زمان انقلاب، آیت‌الله خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای هر دو این منصب را دارا بودند). اما، عضوگیری مسیحیان، سنیها، و همانطور که قبلاً گفته شده بود حتی یهودیها توسط وزارت اطلاعات نشان می‌دهد که این احتمال وجود دارد که مأمورانی را استخدام کنند که به ولایت فقیه امضاء نداده‌اند.

۱۴. روشهای عملیات و تاکتیکها

۱۴/۱ عملیاتها

وزارت اطلاعات از طریق انواع روشها و تاکتیکها عمل می‌کند. مأموران ممکن است بصورت مخفی به عنوان دیپلومات در سفارتهای ایرانی یا در دیگر مشاغل در شرکتهایی مانند ایران ایر، شعبه‌هایی از بانکهای ایرانی، یا حتی در تجارتهای خصوصی فعالیت کنند. اعتقاد بر این است که بسیاری از ایرانیان که برای سازمانهای تحصیلی خارجی کار می‌کنند، مانند دانشگاه‌ها، همچنین برای وزارت اطلاعات فعالیت دارند چون بایستی مدام به ایران رفت و آمد داشته باشند - که شاید برای مسائل مهاجرت، یا دادن مدرک توسط دولت ایران یا دلایل دیگر - آنها ممکن است با وزارت اطلاعات همکاری داشته باشند. برای تبادل پول جهت انجام عملیاتها، وزارت اطلاعات بطور معمول از بانکهای دولتی با شعباتی در کشورهای خارجی استفاده می‌کند.

حزب‌الله لبنان و نیروی قدس همچنین سازماناً به وزارت اطلاعات وصل هستند (به عکس شماره یک در بالا مراجعه کنید). حمایت از حزب‌الله یکی از اصلی‌ترین اهداف سیاست خارجی ایران بوده است. برای مقابله با تهدیدات از طرف اسرائیل، ایران پشتیبانی لجیستیکی و مادی به حزب‌الله ارائه می‌دهد و از حزب‌الله به عنوان نماینده خود در عملیتهای اطلاعاتی ایران استفاده می‌کند. چنین حمایتی معمولاً تحت نظر دستگاه دیپلوماتیک ایران صورت می‌گیرد. یک بررسی دستگاههای اطلاعاتی ایران در سالهای دهه ۱۹۹۰ می‌گوید: «بزرگترین تأسیسات اروپایی القدس در سفارت ایران در آلمان بود. طبقه سوم سفارتخانه دارای ۲۲ کارمند قدس بود که فعالیتهای تروریستی در اروپا را هماهنگ می‌کردند... اخیراً، مراکز عملیاتی بزرگ در بلغارستان تأسیس شد، و القدس تلاش نموده است تا یک تأسیسات عملیاتی دیگر در میلان تشکیل دهد.»

اغلب افسران و دیپلوماتهای خارجی ایران با وزارت اطلاعات، سپاه یا دیگر آژانسهای امنیتی کار کرده‌اند. وزارت اطلاعات در هماهنگی با وزارت خارجه در عملیات انجام شده در خارج از کشور، با استفاده از سفارتخانه‌های ایرانی برای جمعآوری اطلاعات فعالیت می‌کند. مأموران وزارت اطلاعات و نیروی قدس پاسپورتهای دیپلوماتیک از طریق سفارتخانه‌ها دریافت می‌کنند. علاوه‌براین، اعتقاد بر این است که نیروی قدس هماهنگی خود با وزارت اطلاعات را از طریق سفارتخانه‌های خارجی، خیریه‌ها و مراکز فرهنگی در کشورهای مورد نظر، انجام می‌دهد.

جایگزین سفیر ایران در دمشق در ژوئن ۲۰۱۱ یک نمونه از بکارگیری افسران اطلاعاتی به عنوان دیپلوماتها می‌باشد. سفیر جدید، حبیب طاهریان، یک معاون سابق وزارت اطلاعات است. این انتقال ممکن است در نتیجه یک افزایش در فعالیتهای مخفی میان اپوزیسیون دولت در سوریه و بدلیل عزم ایران جهت حمایت از سوریه طی یک دوره سختی

باشد. طاهریان همچنین قبلاً سفیر جمهوری اسلامی در برزیل بود، که یک منطقه دیگر برای ایران است. گسترش فعالیتهای اطلاعاتی ایران به آمریکای لاتین، در کنار رشد دخالت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در آنجا، باعث نگرانی آمریکا شده است.

وزارت اطلاعات به جوامع ایرانی خارج از ایران از طریق انواع روشها نفوذ می‌کند. به عنوان مثال، یک انجمن به نام «حمایت از پناهندگان ایرانی» در پاریس جهت عضوگیری پناهجویان ایرانی برای جاسوسی ایرانیان در فرانسه بکارگرفته می‌شود. وزارت اطلاعات همچنین مأمورانی دارد که افراد را در خارج از کشور ربوده، آنها را به ایران بر می‌گردانند و سپس آنها را زندانی یا می‌کشند. تاکتیکهای وزارت اطلاعات در نفوذ و ایجاد اختلاف میان اپوزیسیون در خارج از کشور در مقاله‌یی در یک سایت اینترنتی وابسته به دولت فعلی ایران مورد بحث قرار گرفته است. این مقاله («چگونه نیروهای اطلاعاتی ایران در خارج از کشور عمل می‌کنند؟») موضوع چگونگی بکارگیری مکانیزمهای مختلف توسط ایران برای نفوذ به اپوزیسیون مستقر در خارج را مورد بحث قرار می‌دهد. وزارت اطلاعات از اعضاء سابق خود و یا افراد حاضر به همکاری با این وزارتخانه استفاده می‌کند. آنها موقتاً به زندان فرستاده شده و به عنوان فعال مخالف جمهوری اسلامی شناخته می‌شوند. بعد از مدتی، هیچ کسی از فعالیتهای سیاسی گذشته آنها سؤال نمی‌کند چون همینکه زندانی سیاسی باشد کافی است که به عنوان یک چهره مخالف شناخته شوید. فعالان در خارج از کشور ممکن است در خروج چنین زندانی از کشور با مساعدت یک سازمان بین‌المللی کمک کنند، یا اینکه وزارت اطلاعات زندانی را به خارج بفرستد و او را یک «مخالف فراری» بنامد. این مکانیزم آزاد کردن زندانیان سیاسی برای رفتن به خارج از کشور باعث بی‌اعتمادی میان اپوزیسیون در تبعید می‌شود.

۱۴/۲ کنترل رسانه‌ها

وزارت اطلاعات همچنین در دروغپراکنی فعالیت دارد. بزرگترین بخش وزارت اطلاعات، وزارت دروغپراکنی (فارسی: نفاق)، از جنگ روانی و دروغپراکنی علیه مخالفان دولت استفاده می‌کند. این بخش مسئول بکارگیری جنگ روانی جهت فریب رسانه‌ها و گمراه کردن دیگر آژانسهای اطلاعاتی در مورد توانمندیهای اطلاعاتی و نظامی ایران می‌باشد. اما، مشخص نیست دقیقاً این بخش در وزارتخانه قرار دارد. به عنوان یک موضوع طبیعی، این بخش ممکن است اخبار پخش کند که ممکن است ۸۰ الی ۹۰ درصد آن قابل تکیه بوده و ۱۰ الی ۲۰ درصد آن دروغپراکنی باشد. علی یونسی، وزیر اطلاعات سابق، در تلویزیون دولتی در اکتبر ۲۰۰۴ گزارش داد که بخش دروغپراکنی وزارت اطلاعات هزاران مأمور را از جمله برخی اعضاء سابق مجاهدین استخدام کرده تا کارکرد این بخش را تقویت کنند.

با توجه به اینترنت، در ۱۰ سال اخیر وزارت اطلاعات و دو نهاد دولتی دیگر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صدای و سیمای جمهوری اسلامی، همچنین به دنبال کنترل دسترسی ایرانیان به اینترنت بوده‌اند. این تلاشها بعد از انتخابات

ریاست جمهوری جنرال برانگیز در سال ۲۰۰۹ شدت یافت. دولت استراتژیهای اطلاعاتی، تکنیکی و فرهنگی جهت کنترل دسترسی به اینترنت بکار گرفته است. رئیس بخش ضداطلاعات وزارت اطلاعات گفته است که «اینترنت تهدیدی برای جهان است، و ایران همواره بدنبال جاسوسان می‌باشد.» این نهادها جهت سد هرگونه سایت که ممکن است باعث مشکلاتی شود و تضمین اینکه سایتهای مورد نظر همواره کار کنند، فعالیتهای خود را با یکدیگر هماهنگ می‌کنند.

کنترل رسانه‌ها و برخورد با رسانه‌های اپوزیسیون داخلی و خارجی از دیگر مسئولیتهای وزارت اطلاعات است. وزارت اطلاعات کانالهای تلویزیونی را که بانی دیدگاههای سیاسی و مذهبی متضاد با دولت ایران هستند هدف قرار می‌دهد. وزارت اطلاعات همچنین تلاش می‌کند اخبار داخلی و خارجی را کنترل کرده و روزنامه‌نگاران در ایران را تحت فشار قرار دهد. به عنوان مثال، وزارت اطلاعات درخواست کرده است که دولت حضور خبرنگاران خارجی در ایران را در انتخابات ریاست جمهوری آتی محدود و کنترل کند. وزارت اطلاعات به دولت هشدار داده است که همان اشتباه را که در انتخابات ریاست جمهوری جنرال برانگیز مرتکب شد، که انعکاس گسترده‌یی در سراسر جهان داشت، تکرار نکند.

۱۵. توانمندیهای اطلاعاتی

فعالیتهای مختلف اطلاعاتی ایران، منجمله کار اطلاعاتی الکترونیکی، اطلاعات انسانی، ضد اطلاعات، و همچنین دیگر دستگاههای اطلاعاتی، به احتمال زیاد تحت نظارت وزارت اطلاعات و امنیت کار میکنند. وزارت اطلاعات و امنیت همکاری نزدیکی با سپاه پاسداران در این رابطه دارد.

۱۵.۱ اطلاعات الکترونیکی و سایبری

بنظر میرسد که ایران تلاش دارد توانمندیهای اطلاعاتی خود را در خاورمیانه و مدیترانه گسترش دهد. بعنوان مثال، بنظر میرسد که ایران توانسته است یک توانمندی اطلاعات الکترونیکی (SIGINT) ایجاد کند. دو ایستگاه ایرانی-سوری که بودجه آن توسط سپاه پاسداران تأمین میشود طبق گزارشات از سال ۲۰۰۶ فعال بوده‌اند که یکی در منطقه الجزیره در شمال سوریه و دیگری در بلندیهای جولان است. مطابق گزارشات، ایرانیها قصد داشته‌اند دو ایستگاه اطلاعات الکترونیکی دیگر نیز در شمال سوریه ایجاد کنند که قرار بوده تا ژانویه ۲۰۰۷ عملیاتی شوند اما اطلاعاتی دال بر فعالیت آنها وجود ندارد. تکنولوژی موجود در دو ایستگاه اطلاعات الکترونیکی موجود نشان میدهد که توانمندیهای ایران هنوز محدود است و چندان به جمع‌آوری اطلاعات استراتژیک سطح بالا راه ندارد. بنظر میرسد که ایستگاههای اطلاعاتی روی دادن اطلاعات به حزب‌الله لبنان متمرکز هستند.^{۷۴}

در ژوئن ۲۰۱۲، ویروس استاکنت بگونه موفق زیرساخت غنی‌سازی اورانیوم ایران را هدف قرار داد. موفقیت این ویروس بیانگر ضعف توسعه سایبری ایران است. در تابستان ۲۰۱۱، ایران یک «فرماندهی سایبری» ایجاد نمود تا حملات سایبری را بلوکه کند و در تلافی به حملات سایبری دست بزند.^{۷۵}

ایران همچنین دارای توانمندی گردآوری اطلاعات از طریق هواپیمای شناسایی است. اما این توانمندی محدود به عملیات کوچک نظامی است که روی تعداد کمی هواپیمای شناسایی سوار است.^{۷۶}

۱۵.۲ اطلاعات انسانی

در حیطه اطلاعات انسانی ایران بسیار فعال بوده است. توانمندی ایران در گردآوری اطلاعات بسیار سازماندهی شده و متمرکز روی کشورهای همجوار است. همچنانکه گفته شد، ایران از کانالهای دیپلماتیک برای عملیات اطلاعاتی استفاده میکند. موارد بسیاری بوده که دیپلماتهای ایرانی در محموله‌های دیپلماتیک سلاح به دیگر کشورها برده‌اند. اما ایران در ایجاد پوشش برای عواملش بی‌احتیاط بوده است. در نتیجه، در موارد متعدد، افسران امنیتی دیگر کشورها توانسته‌اند عوامل ایرانی را شناسایی کنند.^{۷۷}

علیرغم قدرت اطلاعات انسانی ایران که متذکر شدیم، توانمندیهای تکنیکی آن عقب افتاده است. عملیات اطلاعات انسانی ایران در کشورهای همجوار با سیستمهای پیچیده اطلاعاتی از خود ضعف بارز کرده‌اند. بعنوان مثال، افسران اطلاعاتی فرستاده شده به عراق بعد از تجاوز نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا در سال ۲۰۰۳ از بی‌ثباتی در آنجا استفاده کرده و به عملیات مخفی دست زدند و حداقل تعدادی از آنها هویتشان مشخص شد. ایران از عوامل زیادی در عراق استفاده کرده است تا مقامات منتخب عراقی را تحت نفوذ قرار دهد و گروههای شورشی عراقی را تعلیم دهد. ایران همچنین دارای شبکه‌های اطلاعاتی در دیگر کشورهای خاورمیانه، بطور عمده در کشورهای دارای اکثریت شیعه و در کشورهایی که حاکمان سنی غیرمحبوب دارند، است. بعنوان مثال در سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، دو شبکه ایرانی در کویت و بحرین فاش شدند.^{۷۸}

گسترش فعالیت‌های اطلاعاتی ایران به آمریکای لاتین، به همراه درگیر شدن اقتصادی، سیاسی و فرهنگی فزاینده آن در آنجا یک عامل نگرانی برای آمریکا بوده است. اطلاعات انسانی ایران از طریق همکاری با نیروی قدس و حزب‌الله لبنان که در جمع‌آوری اطلاعات از جمعیت شیعه ساکن در کشورهای آمریکای لاتین کمک میکنند موفق بوده است.

۱۵.۳ ضد اطلاعات

آمریکا در سال ۲۰۰۴ اطلاعات در مورد طراحی‌های کلاهک اتمی ایران بدست آورد. همچنین، آژانسهای اطلاعاتی غربی اطلاعات مشابهی از افسران سپاه پاسداران نظیر علیرضا اصغری که پناهنده شدند، بدست آوردند. هر چند تعداد بسیار بیشتری نیز بودند، اما پناهنده شدن اصغری قابل توجه بود چرا که وی نقش زیادی در ایجاد ارتباطات ایرانی با حزب‌الله داشت. بنظر میرسد که اصغری به اسرائیلی‌ها اطلاعات داده باشد و ممکن است منبع اطلاعاتی بوده که آنها در عملیات “باغستان Orchard” برای حمله به رآکتور اتمی سوریه بکار گرفته شده است. همچنین، از طریق کردها، آژانسهای اطلاعاتی غربی موفق شدند به شبکه‌های اطلاعاتی ایران نفوذ کنند. با بدست آوردن اطلاعات مربوطه آمریکا موفق شد به برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران آسیب وارد کند که اینکار از طریق ارائه ابزار، ماشین‌آلات و نمونه‌های معیوب در سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۳ صورت گرفت.^{۷۹}

بدنبال این رویدادها، تهران یک نیروی جدید اطلاعاتی بنام “عقاب ۲” در سال ۲۰۰۵ تشکیل داد. این نیرو به احتمال زیاد تحت اداره ضد اطلاعات وزارت اطلاعات و امنیت کار میکند. یک نیرو یک دفتر ضد اطلاعات است که بطور خاص به

حفاظت از تمامی اطلاعات در مورد برنامه اتمی ایران، تأسیسات اتمی، و دانشمندی که در تأسیسات اتمی کار میکنند در مقابله با تهدیدات، منجمله تهدیدات گروههای داخلی اپوزیسیون و آژانسهای اطلاعاتی خارجی، اختصاص دارد. تشکیل عقاب ۲ به سال ۲۰۰۵ و افشای دو تأسیسات اتمی مخفی پارچین و لویزان و دستگیری دو جاسوس که در مورد تأسیسات اتمی اطلاعات جمع‌آوری میکردند برمیگردد. اما در یک نگرش گسترده‌تر، دلیل اصلی تشکیل این نیرو مقابله با انواع فعالیت‌های مخفی آژانسهای اطلاعاتی خارجی علیه جمهوری اسلامی است.^{۸۰}

بدنبال کشف انواع شبکه‌های جاسوسی در اواسط آوریل ۲۰۰۷، فرمانده عقاب ۲، ژنرال غلامرضا مقربی، با احمد وحیدی که قبلاً یک فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران بود و در حال حاضر وزیر دفاع میباشد، جایگزین شد. تحت فرماندهی او و معاونینش، ژنرال اکبر دیانت‌فر و ژنرال علی نقدی، عقاب ۲ با استخدام ۱۰,۰۰۰ مأمور بزرگ شد. اما باید متذکر شد که عقاب ۲ کماکان قادر به جلوگیری از اقدامات خرابکارانه بزرگ و ترور نیست. بعنوان مثال، از سال ۲۰۰۷، چندین دانشمند اتمی ایران گویا توسط موساد اسرائیل ترور شده‌اند.^{۸۱}

بهرحال، وزارت اطلاعات و امنیت چندین عملیات بسیار موفق را پیش برده است. در سال ۲۰۰۷، سرویس اطلاعات ایران به یک اقدام جاسوسی احتمالی مشکوک شد و ۱۵ ملوان انگلیسی را در خلیج فارس دستگیر کرد. این دستگیری زمانی اتفاق افتاد که یک برنامه تلویزیونی انگلیس در مورد فعالیت‌های نیروی دریایی انگلستان که تا حدودی با هدف جمع‌آوری اطلاعات از ایران صورت میگیرد، جلب توجه ایران را کرد. در سال ۲۰۱۱، لس‌آنجلس تایمز گزارش نمود که ایرانیها یک شبکه ۳۰ نفره را که گویا توسط سفارتخانه‌های آمریکا در امارات متحده عربی، ترکیه و مالزی برای عملیات جاسوسی و خرابکاری علیه ایران عضوگیری شده بودند را از بین برد.^{۸۲}

وزارت اطلاعات ایران همچنین در گروههای اپوزیسیون مستقر در خارج نفوذ کرده است. بعنوان مثال، فعالیت‌های جاسوسی ام. ای. کی. علیه دولت ایران و برنامه اتمی آن در سال ۲۰۰۷ بواسطه عملیات ضداطلاعاتی ایران، کم شد. ام. ای. کی. دو تأسیسات اتمی در ایران (نطنز و اراک) را در سال ۲۰۰۲ افشاء کرده بود و مطابق گزارشات به آمریکا اطلاعات دیگری در مورد برنامه اتمی ایران داده است. در سال ۲۰۰۷، یک روزنامه فرانسوی به نام فیگارو نوشت:

“متخصصین اطلاعاتی در یک مورد توافق نظر دارند: نفوذ به ایران بسیار مشکل است. اطلاعاتی خارجی سنناً کنتاکتهای سطح بالای بسیار محدودی در ایران دارند.”^{۸۳}

همچنین در ۲۱ مه ۲۰۱۱، ایران یک شبکه جاسوسی متهم به ارتباط با سازمان سیا را از بین برد و در یک عملیات در داخل ایران ۳۰ نفر را دستگیر نمود. این شبکه برای بدست آوردن اطلاعات نظامی و اتمی تشکیل شده بود. وزارت اطلاعات و امنیت اعلام نمود که قادر است ارتباط تمامی عوامل را با سیا اثبات نماید. همچنین در مه ۲۰۱۱ وزارت اطلاعات و امنیت اعلام کرد که ۴۲ جاسوس دیگر را نیز در سایر کشورها شناسایی کرده که با سیا ارتباط دارند. طبق گزارشات، مأموران وزارت اطلاعات جلسات جاسوسان دستگیر شده را در طول یکسال مانیتور و فیلمبرداری کرده است. در یک برنامه پخش شده توسط تلویزیون ملی، وزیر اطلاعات و امنیت گفت: “غیرقابل اجتناب است که آژانسهای اطلاعاتی مورد نفوذ قرار بگیرند. یکی از چیزهای خوب که ما کردیم اینکه ما میتوانیم نفوذکنندگان را شناسایی و در آینده از آنها استفاده کنیم. دشمن ممکن است که آنها را نابود کند ولی مطمئناً نفوذکنندگان دیگری نیز هستند که ما میتوانیم از آنها نیز استفاده کنیم.”^{۸۴} وزارت اطلاعات بعداً اعلام نمود که شبکه تحت ظواهر گوناگونی، منجمله مراکز

کاریابی، کار میکرده است. بنا به گفته ایران، سیا وب سایتهای دروغینی دارد که به ایرانیان شغل پیشنهاد میکند و سپس تلاش میکند که آنها را استخدام نماید تا به جمع‌آوری اطلاعات نظامی و صنایع انرژی اتمی بپردازند.^{۸۵}

در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۱، وزارت اطلاعات ۱۲ تن دیگر از متهمین به جاسوسی برای سیا را که مشغول جمع‌آوری اطلاعات در مورد طرح‌های اتمی ایران بودند دستگیر نمود. ایران همچنین ادعا نمود که حزب‌الله یک شبکه جاسوسی سیا را کشف کرده است و عوامل سیا در خطر هستند.^{۸۶}

در ۱۰ آوریل ۲۰۱۲، وزارت اطلاعات کشف یک شبکه اسرائیلی در مرکز ایران را که متهم به تلاش برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد فعالیتهای اتمی ایران بودند را اعلام نمود. در این رابطه دولت ایران گفت که وزارت اطلاعات توانسته است که شبکه‌های جاسوسی سیا و موساد را در “جنگ اطلاعاتی” متلاشی کند. در نتیجه، وزارت اطلاعات بشدت مشغول کار است تا شبکه‌های اطلاعاتی خارجی را شناسایی و کشف کند.^{۸۷}

در ۱۵ ژوئن ۲۰۱۲، وزارت اطلاعات اعلام کرد که مأمورانش موفق به شناسایی و دستگیری قاتلین دو دانشمند ایرانی شده‌اند. وزارت اطلاعات ادعا کرد که اسرائیل این قتلها را طراحی کرده و وزارت اطلاعات تمامی عوامل صهیونیستی را که در این قتلها شرکت داشته‌اند پیدا خواهد کرد.^{۸۸}

ایران در رابطه با جاسوسی آمریکا یا خارجی، بظاهر بخاطر برنامه اتمی‌اش حساس‌تر شده است. با عملکردن در این رابطه، ایران در ژانویه ۲۰۱۱ مانع دو هواپیمای بدون سرنشین جاسوسی آمریکا که خارج از حریم هوایی ایران عمل میکردند شد. همچنین، ایرانیان ادعا کردند که در حالیکه بدنبال قاتلین دانشمندان اتمی ایران بودند به موساد نفوذ کردند. این اتهامات ممکن است بی‌اساس باشند.^{۸۹}

۱۶. انگیزه و عملکرد و کارآیی

وزارت اطلاعات متعهد است که ایده انقلاب اسلامی ایران را به سراسر جهان گسترش دهد. این اشتیاق انقلابی اما بواسطه پراگماتیسم تعدیل میشود. چه در زمان تأسیس و چه قبل از تشکیل وزارت اطلاعات، مأموریت اطلاعات ایران جستجو برای گروهها و افراد ضدانقلاب در داخل و خارج کشور بوده است تا از انقلاب اسلامی حفاظت کند. در سالهای اولیه انقلاب، بسیاری مردم که قبلاً از رژیم حمایت میکردند علیه آن شدند. این وظیفه ساواما (سرویس اطلاعاتی ایران در آن زمان) بود که این جدانشدگان را شناسایی نماید. اما پس از تشکیل وزارت اطلاعات و امنیت و سعود آیت‌الله علی خامنه‌ای بعنوان رهبر عالی، این وزارتخانه بیشتر درگیر اجرای سیاستهای رهبر عالی چه در داخل و چه خارج شد.

هدف سیاست خارجی ایران گسترش نفوذ ایران در خاورمیانه و در تمامی جهان است. در تعقیب این هدف، رهبران ایران که اشراف داشتند که ایرانیها جزئی از اقلیت شیعه در جهان اسلام هستند روی موضوع ضد امپریالیسم و مبارزه با هژمونی آمریکا متمرکز شدند تا نه تنها مسلمانان بلکه مردم دارای باورهای دینی دیگر را نیز تحت تأثیر قرار دهند. این اصول محرک جمهوری اسلامی است تا در خارج از ایران از طریق وزارت اطلاعات، و بیش از آن از طریق آژانس خواهر آن نیروی قدس سپاه پاسداران، عمل نماید.^{۹۰}

عملکرد وزارت اطلاعات از زمان تشکیل آن بعد از انقلاب مستمر و غیر عدول کننده بوده است. وزارت اطلاعات روی امور داخلی متمرکز است و روی حفاظت از سیستم اسلامی کنونی متمرکز میباشد. این هدف از طریق عملیات مخفی در داخل و خارج کشور محقق شده است.^{۹۱}

۱۷. مناطق اصلی عملیات

وزارت اطلاعات در هر کجا که مورد نظر دولت ایران باشد فعال است. وزارت اطلاعات در ایران و در همکاری با نیروی قدس در خاورمیانه (افغانستان، عراق، کویت و لبنان)، آسیای مرکزی، آفریقا، اروپا (اطریش، آذربایجان، کرواسی، فرانسه، جورجیا، آلمان، ترکیه و انگلستان)، و در قاره آمریکا، منجمله ایالات متحده، عمل میکند. وزارت اطلاعات حمایت مالی، مادی، تکنولوژیکی و دیگر کمکها را به حماس، حزب الله و القاعده در عراق که همگی سازمانهای تروریستی تحت دستور اجرایی ۱۳۲۲۴ آمریکا هستند، ارائه میدهد.^{۹۲}

آمریکای لاتین یک منطقه مورد علاقه زیاد ایران است. وجود فعالیتهای اطلاعاتی ایرانی در کشورهای نظیر آرژانتین، بولیوی، برزیل، اکوادور و ونزوئلا که در آن ایران دارای منافع سیاسی و اقتصادی است نیز بخشی از استراتژی ایران در ایجاد حضورش در حیاط خلوت آمریکا است تا ایدئولوژی شیعه و انقلابی را گسترش دهد و شبکه‌هایی برای عملیات اطلاعاتی و مخفی تشکیل داده و جنگ غیرمستقیم علیه آمریکا صورت دهد. آژانسهای اطلاعاتی ایران - وزارت اطلاعات ولی بیشتر نیروی قدس - در آمریکای لاتین از حزب الله برای تحقق اهدافشان استفاده میکنند.^{۹۳}

در خاورمیانه، ایران از حزب الله استفاده میکند تا روی اسرائیل فشار بگذارد و آمریکا را در عراق و افغانستان با حمایت از گروههای شورشی تهدید کند. قیام فعلی در سوریه تأثیرات قابل توجه روی اطلاعات ایران دارد. ایرانیان در شکل نیروی قدس در سوریه حضور دارند تا از سرکوب پوزیدنت بشار اسد علیه تظاهراتهای اپوزیسیون حمایت کنند. موفقیت ایران در سرکوب اپوزیسیون خود بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ یک مدل قابل استفاده برای دولت سوریه است. ایران بطور خاص بحرین و دیگر کشورهای دارای اکثریت جمعیت شیعی را هدف قرار میدهد و از وزارت اطلاعات برای اجرای عملیات در راستای سیاست خارجی ایران بهره میگیرد.^{۹۴}

در اروپا، وزارت اطلاعات دارای یک شبکه قابل توجه در آلمان میباشد. در ژانویه ۲۰۱۱ وزیر داخله آلمان، و هاینز فروم رئیس دفتر فدرال برای حفاظت از قانون اساسی (معادل آلمانی اف.بی.آی.)، گزارش کردند که مسئولیت اصلی وزارت اطلاعات "مانیتور کردن گروههای اپوزیسیون در داخل و خارج ایران و مبارزه با آنهاست." بنابر این گزارش، وزارت اطلاعات و امنیت همچنین مشغول جمع‌آوری اطلاعات در رابطه با سیاست، اقتصاد و علم در آلمان بوده و میافزاید: "عمده فعالیتهای اطلاعاتی علیه آلمان توسط این وزارتخانه اطلاعات صورت میگیرد." این گزارش همچنین میگوید که: "وزارت اطلاعات ایران همچنین بدنال جلب شهروندان آلمانی است که با این وزارتخانه همکاری کنند. این در رابطه با آلمانی‌هایی است که اغلب به ایران برای دیدار خانواده و یا برای تجارت سفر میکنند."^{۹۵}

وین پایتخت اطریش گفته میشود که مملو از مأموران وزارت اطلاعات است. این بدلیل روابط خوب مستمر بین ایران و اطریش از زمان انقلاب است - پس از بحران گروگانگیری آمریکائیان که به محکومیت جمهوری اسلامی توسط بسیاری کشورها و منزوی شدن ایران از بسیاری جهات منجر شد، اطریش از معدود کشورهایی بود که مسئله‌اش نشد. بنظر میرسد که ایران از این روابط با مستقر کردن افسران اطلاعاتی خود در اطریش سود می‌جوید. اینطور گزارش شده که مأموران وزارت اطلاعات فعالین سیاسی ضد جمهوری اسلامی را شناسایی و تهدید میکنند تا آنها را ساکت نمایند.^{۹۶}

پیشینه تاریخی گرجستان و آذربایجان که هر دو قبلاً بخشی از ایران بودند این دو کشور را به اهداف محتمل برای سرویسهای اطلاعاتی ایران تبدیل میکند. در آذربایجان ۹۵٪ مردم مسلمان و ۸۵٪ شیعه هستند. این آذربایجان را یکی

از کشورهای معدودی میکند که دارای اکثریت شیعه است. همچنین مشابهت‌های فرهنگی بین ایرانیان و آذری‌ها، به همراه زبان مشترک بین ایرانیان آذری و آذربایجانی‌ها مردم دو کشور را بهم نزدیکتر کرده و دولت ایران را قادر میسازد تا نفوذش روی آذربایجان را اعمال نماید. اما یک رابطه مخفی بین آذربایجان با اسرائیل در دهه اخیر شکل گرفته است. در عمل، آذربایجان تبدیل به متحد استراتژیک اسرائیل شده چرا که گفته میشود به اسرائیل امکان دسترسی به پایگاه‌های هوایی اش را در نزدیکی مرز ایران داده است. چنین اتهامی عواقب جدی با خود دارد چرا که یکی از بازدارنده‌های اصلی ایران در توانایی اسرائیل به حمله به ایران مسئله فاصله بوده است. این پیشامد همچنین به اسرائیل امکان فعالیت‌های مخفی علیه ایران را میدهد و ایران را ترغیب میکند که به عملیات مخفی در آذربایجان روی بیاورد.^{۹۷} افشای ۱۱ متهم به جاسوسی برای ایران در ترکیه در اواخر اوت ۲۰۱۲ نشانه حضور وزارت اطلاعات در این کشور است. یک تحقیقات پلیس مدارک و اسنادی را رو کرد که تماس‌های تلفنی مأموران با رزمندگان پ.ک.کا. بوده است. روابط دیپلماتیک ترکیه با ایران مدتی است که بخشاً بخاطر مواضع متفاوت در مورد بحران فعلی سوریه مخدوش شده است. فعالیت‌های مخفی مأموران ایرانی میتواند علت افزایش عملیات نظامی پ.ک.کا. علیه دولت ترکیه باشد.^{۹۸}

۱۸. امور مالی و درآمد

وزارت اطلاعات یک سازمان دولتی است. لذا بودجه آن توسط دولت جمهوری اسلامی ایران تأمین شده و بسیار مخفی است. هیچ اطلاعات علنی و یا قابل اتکا در رابطه با بودجه وزارت اطلاعات وجود ندارد.

۱۹. حمایت و وابستگی خارجی

این باور وجود دارد که وزارت اطلاعات با دیگر آژانس‌های اطلاعاتی همکاری میکند. یکی از این آژانس‌ها اس.وی.آر. روسیه است که جایگزین کی.جی.بی. شده است. علیرغم دکتربندی ناهمگون این دو آژانس و روابط پیچیده بین ایران و روسیه در گذشته، آنها موفق به همکاری در دهه ۱۹۹۰ شدند که نه تنها بخاطر قصد آنها در محدود کردن اعتبار سیاسی آمریکا در آسیای مرکزی، بلکه همچنین بخاطر تلاش‌های مشترک آنها در فروخواباندن ناآرامی فرقه‌ای در آینده بوده است. اس.وی.آر. نه تنها صدها مأمور ایرانی را آموزش داد بلکه مأموران زیاد روسی در داخل ایران اطلاعات ایران را به وسایل الکترونیکی (signals equipment) در مرکز اطلاعات ایران مجهز نمود. روشن نیست که آیا این رابطه همچنان ادامه دارد و اینکه آیا دو آژانس اطلاعاتی به همکاری خود ادامه میدهند.^{۹۹} به غیر از ارتباطاتی که در بالا آورده شد، ایران با القاعده نیز همکاری میکند هر چند که اختلافات عقیدتی بین ایران و القاعده همکاری آنها را محدود و بی ثبات میسازد. همکاری بین ایران و القاعده بر پایه مخالفت مشترک آنها با هژمونی آمریکا در منطقه - در اساس عراق و افغانستان - است که به سالهای دهه ۱۹۹۰ برمیگردد. این رابطه بعد از ۱۱ سپتامبر ادامه یافت و ایران به برخی اعضای القاعده اجازه داد که از افغانستان وارد ایران شوند. این واقعیت که القاعده در کشورهای بسیاری فعالیت دارد به ایران کمک میکند که به هدفش برای منحرف کردن توجه آمریکا از همسایگی ایران برسد. در عوض، القاعده از ایران به عنوان محلی که تسهیل‌کنندگان آن با رهبران ارشد القاعده که وابستگان منطقه‌ای دارند وصل میشوند استفاده میکند. در ۱۹۹۵ و مجدداً در سال ۱۹۹۶، اسامه بن لادن به سراغ وزارت اطلاعات آمد و خواستار همکاری علیه آمریکا شد. رکوردهای تلفنی بن لادن که بدست تحقیق‌گران آمریکایی افتاده که



Seif al-Adl
Source:
<http://www.nctc.gov/>

روی بمبگذاریهایی سفارت آمریکا در کنیا و تانزانیا کار میکردند نشان داد که ۱۰٪ تماسهای تلفنی بن لادن و معاونینش به ایران بوده است. سیف العدل، یکی از رهبران بالای القاعده در آن زمان رابط بین ایرانیان و القاعده بود. وی ملاقاتها با رهبران سپاه پاسداران و مقامات وزارت اطلاعات را هماهنگ میکرد. ۱۰۰ از زمان مرگ بن لادن در مه ۲۰۱۱، رهبری جدید القاعده از روشن ساختن موضعش در رابطه با همکاری با دولت ایران خودداری کرده است.

۲۰. بکارگیری رسانهها

دولت ایران از رسانهها برای استفادههای داخلی خود و برای پخش تبلیغات استفاده میکند. با در نظر گرفتن اینکه وزارت اطلاعات مخفیانه کار میکند، با مردم اطلاعات خود را در میان نمیگذارد و یا سر مأموریتهايش صحبت نمیکند مگر اینکه رژیم بدنبال علنی کردن تلاشهایش از طریق رسانهها برای جلب حمایت مردمی باشد.

یکی از طرقی که دولت ایران اینکار را انجام میدهد از طریق سایت اینترنتی آن ایران دیدبان (www.irandidban.com) است. این سایت اخبار را به سه زبان انگلیسی، فارسی و فرانسه ارائه میدهد. یک سایت دیگر که گفته میشود وابسته به وزارت اطلاعات است بنیاد هابیلیان (www.habilian.ir) است. این سایت اینترنتی اخباری که به نفع دولت ایران است را به سه زبان عربی، انگلیسی و فارسی ارائه میکند. ۱۰۱



Habilian Foundation, a Web site allegedly affiliated with the Ministry of Intelligence and Security.
Source: <http://www.habilian.ir/fa/>

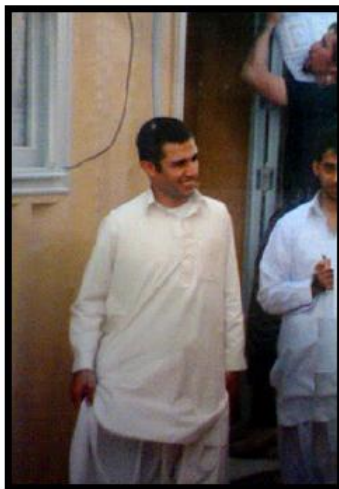


Photo taken by MOIS of Rigi, allegedly at a U.S. military installation before capture.
Source: <http://www.uskowioniran.com>

وزارت اطلاعات برای کارزار ضد اطلاعات و انتشار تبلیغات اش با صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران همکاری میکند. این سازمان یک رادیو تلویزیون دولتی است که رئیس آن توسط رهبر عالی ایران انتخاب میشود. وزارت اطلاعات، توسط صدا و سیما (IRIB) اسناد فیلمی از عملیات موفقیت آمیز وزارت اطلاعات تولید و منتشر و سپس در تلویزیون کشور پخش میکند. برای مثال، بعد از دستگیری عبدالملک ریگی، پوشش وزارت اطلاعات بیسابقه بود. وزیر اطلاعات و امنیت در تلویزیون کشور ظاهر شد تا در باره فعالیتهای صورت گرفته توسط وزارت خانه توضیح دهد. او با نمایش دادن عکسی از ریگی که بگفته ای او را در یک پایگاه آمریکایی در افغانستان نشان میداد، ریگی را به سیا مرتبط نمود. ۱۰۲

یک مثال از استفاده وزارت اطلاعات از رسانه ها در عملیات روانی برای مصرف داخلی : سند فیلمی در سال ۲۰۱۱ بنام " الماسی برای فریب" است.^{۱۰۳} این سند در باره یک افسر سپاه پاسداران بنام محمدرضا مدحی است که برای نفوذ در میان مخالفان رژیم در خارج از ایران از جانب وزارت اطلاعات مامور شده و برای سرنگونی دولت ایران با استفاده از افسران سابق وزارت اطلاعات در ایران که از رژیم بریده اند، ارائه میدهد. همانگونه که در فیلم نشان داده شده مدحی به ایران بازگشته و وزارت اطلاعات بعداً علناً طرح را بعنوان یک تاثیر موفقیت آمیز برای نفوذ در میان دشمنان ایران ، افشا نموده است.



Mohammad-Reza Madhi
Source: <http://www.rajanews.com/>

دولت ایران از نمایش این اسناد استفاده های بیشماری میکند، که نشان دهد چگونه آمریکا و اسرائیل با مخالفان ایرانی خارج کشور توطئه چینی میکند تا با انقلاب مخالفت نماید. این سند مشخص میکند مامور وزارت اطلاعات با معاون رئیس جمهور آمریکا، جو بایدن، و وزیر خارجه هیلاری کلینتون ، کما اینکه دنیس رایس مشاور ویژه امور خلیج فارس و جنوب غربی آسیا (منجمله ایران)،

ملاقات میکند. رسانه های ایران ادعا کردند که نفوذ توسط وزارت اطلاعات توفیق اطلاعاتی ایران را ثابت میکند و نشان میدهد که تلاشهای سرویسهای اطلاعاتی غربی برای بکار گیری مخالفان ایرانی علیه جمهوری اسلام شکست خورده است . پخش این موضوع در آستانه دومین سالگرد انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۲۰۰۹ و " افشاگری" برای به تصویر کشیدن اتحاد اپوزسیون اصلاح طلب با دولت آمریکا و سرویسهای اطلاعاتی غربی مورد استفاده قرار گرفت.^{۱۰۴} ایران همچنین یک فرد را به اتهام جاسوس غربی بودن در دسامبر ۲۰۱۱ دستگیر نمود. تلویزیون دولتی اعترافات این مامور آمریکایی که یک تفنگدار دریایی ایرانی تبار است، را نشان داد. وزارت اطلاعات ادعا کرد که " این مامور سیا با ملیت ایرانی مامورت خود را بعد از دریافت آموزش استفاده از سلاح شروع کرده است. " وزارت اطلاعات ادعا میکند که این مامور قرار بوده که ماموریت خود را از بگرام که یک پایگاه نظامی آمریکا در افغانستان است شروع کند ولی عوامل اطلاعاتی ایران به او در ورود به ایران کلک زده و بعداً وی را دستگیر نموده اند. یک دادگاه در ایران او را بجرم جاسوسی به مرگ محکوم نمود. او فعلاً در ایران زندانی است.^{۱۰۵}

نمونه دیگر از اینگونه تلاشها در رسانه ها در ۵ اوت ۲۰۱۲ میباشد که سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی یک برنامه تبلیغاتی که توسط وزارت اطلاعات توزیع شده بود را در تلویزیون دولتی به نمایش گذاشت. این برنامه در باره عوامل منتسب به اسراییلبود که از کمک دانشمندان هسته ای ایران برخوردار بوده است. برنامه تلاش کرد که بیرحمی مامورانی که توطئه های مسعود را اجرا میکنند، نشان دهد. اگرچه هنوز هویت این ماموران که در تلویزیون دولتی اعتراف کردند سوال برانگیز است. با متشبت شدن به اینگونه نمایشات، وزارت اطلاعات تلاش میکند افکار عمومی را فریب داده و جمهوری اسلامی را در چشمان مردم ایران و دنیا بیگناه جلوه دهد.^{۱۰۶}

قصد دولت ایران در استفاده از رسانه ها همانطور که در موارد فوق اشاره شد، بیشتر شبیه به بدست آوردن حمایت عمومی جهت ایجاد یک حس اتحاد ملی در میان ایرانیان، و بکار گیری آنان علیه کشورهای غربی که نگران برنامه هسته ای ایران و تروریسم این کشور هستند، میباشد.

اینطور بنظر میرسد که وزارت اطلاعات یک سایت رسمی نداشته باشد. وزارت اطلاعات حرف خودش را در تلویزیون دولتی، رادیو و بیانیه های مطبوعاتی و وب سایت های خبری دیگر میزند.

۲۱. ارزیابی تهدید تروریستی

رژیم ایران درگیر دو نوع حملات تروریستی است. یک نوع آن عملیات خرابکاری، جاسوسی و بمب گذاری در اماکن مورد هدف است، در حالیکه نوع دیگر، ترور مخالفان جمهوری اسلامی ایران است. هر دو این دو نوع هم در داخل و هم در خارج ایران انجام میشود.

از زمان بوجود آمدن نیروی قدس در سال ۱۹۹۰، وزارت اطلاعات غالباً روی مانیتورینگ و ترور مخالفان ایرانی در داخل و خارج کشور متمرکز بوده است. " قتل‌های زنجیره ای" در ایران و ترور مخالفان ایرانی در واقعه میکونوس در سال ۱۹۹۲، علاوه بر دیگر قتلها موید این نظر است. نیروی قدس مسئول عملیات مخفی نظامی و شبه نظامی در خارج حیطه قلمرو ایران است که شامل ترور شخصیت‌های خارجی مانند مقامات اسرائیلی کما اینکه آموزش گروه‌های نظامی و جمع آوری اطلاعات در مناطقی که ایران در آن مناطق منافع دارد، میباشد.

مسئولت وزارت اطلاعات و نیروی قدس آشکارا با هم فصل مشترک دارند. بنابراین ضروری است که هر دو این سازمانها از نزدیک با هم همکاری داشته باشند. برای مثال نیروی قدس مسئول جمع آوری اطلاعات در کشورهای خارجی است. فرضبرایناستکه نیروی قدس اطلاعات جمع آوری شده و فعالیت‌های خود و نتایج اش را به وزارت اطلاعات گزارش میکند.

بنظر میرسد تعداد ترور مخالفان بعد از افشای " قتل‌های زنجیره‌ای " که وزارت اطلاعات علناً مسئولیت آنرا پذیرفته، کاهش یافته است. علاوه بر این مقامات، اکیداً افشای اطلاعات حساس عملیاتوزارت اطلاعات را کنترل میکنند زیرا هرگونه اطلاعات در مورد آنان ممکن است رهبری جمهوری اسلامی ایران را بمخاطره بیاندازد. کما اینکه میتوان انتظار داشت که ترور مخالفان در صورتیکه تشخیص داده شود که آنها یک تهدید واقعی برای جمهوری اسلامی ایران هستند، ادامه یابد.

۲۲. شکافهای اطلاعاتی (در منبع)

از آنجاییکه وزارت اطلاعات یک سایت رسمی ندارد، جمع آوردی داده های آن از ساختارهای سازمانی اش، پرسنل و گماشتگانش و اینکه چگونه آنرا انجام میدهد مشکل است. اطلاعات مشخصی در باره تعداد مقامات بالای کنونی و مدیران مدیریت های مختلف وزارت اطلاعات در منابع علنی وجود ندارد و روشن نیست چه کسی دستورالعملها را به وزارت اطلاعات صادر میکند و چگونه این دستورالعملها به اجرا درمیایند.

سؤال مهم دیگر در باره مواد منابع باز وزارت اطلاعات که هنوز بخوبی پاسخ داده نشده، این است که رابطه وزارت با سپاه پاسداران چگونه است و تاثیر متقابل این دو روی هم چیست؟ ناظران تخمین میزنند که وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران با هم اختلاف نظر دارند. اگر این ادعا درست باشد، اطلاعات در دسترس بروشنی نشان نمیدهند که منبع و درجه این اختلاف نظر چیست؟

۲۳. وقایع تاریخی و کلیدی و عقب نشینی ها

- ژوئیه ۱۹۸۰: کشف یک کودتا (کودتای نوژه) در سال ۱۹۸۰ توسط ساواما، سلف وزارت اطلاعات، بعنوان یکی از اصلی ترین عملیات اطلاعاتی ایران بعد از انقلاب شناخته میشود. اگرچه ساختار اطلاعاتی ایران در آنزمان جوان بود، عناصر اطلاعاتی تعدادی از افسران نیروی هوایی ایران که منبع توطئه براندازی جمهوری اسلامی بودند را کشف کردند. ساواما، سرویس اطلاعاتی ایران در آنزمان ، افسران درگیر در این ماجرا را شناسایی و دستگیر نمود.^{۱۰۷}



AMIA Bombing in Buenos Aires
Source: <http://www.jpост.com>

- سپتامبر ۱۹۹۴: یک بمب گذاری در مرکز تجمع انجمن اسراییلی - آرژانتینی (آمیا) ، در بوینس آیرس، آرژانتین، ۵۹ تن را کشت و ۳۰۰ تن را زخمی نمود. این حمله یکی از مرگبارترین حملات تروریستی در تاریخ آرژانتین بود. مسئولیت حمله متوجه ایران شد. در آنزمان نیروی قدس به عنوان یک گروه سازمانیافته وجود نداشت.با این حال، دخالت سپاه پاسداران در این حادثه غیر قابل انکار است همانطور که تحقیقات آرژانتین آنرا نشان داد. بیشترین احتمال وجود دارد که وزارت اطلاعات بخشی از عملیات بوده باشد.^{۱۰۸}

- مارس ۱۹۹۶: بعد از تحقیقات حادثه میکونوس در برلین در سپتامبر ۱۹۹۲، دادستان فدرال آلمان یک حکم جلب برای علی فلاحیان، وزیر اطلاعات و امنیت ایران، بخاطر دستور ترور مخالفان کرد ایرانی صادر نمود. بعداً در نوامبر ۱۹۹۶، رهبر عالی آیت الله خامنه ای ، رئیس جمهور علی اکبر هاشمی رفسنجانی ، فلاحیان و علی اکبر ولایتی ، وزیر خارجه ایران نیز متهم شدند. در آوریل ۱۹۹۷ دادگاه آلمان رای خود مبنی بر محکومیت مقامات ایرانی را صادر نمود.



Mykonos Incident in Berlin
Source: <http://www.radiozamani.com>

طی سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸: ترور جریان وارروشنگران ایرانی که مخالف یا تهدیدی برای جمهوری اسلامی بودند افکار عمومی ایرانیان را شوکه نمود. ترور داریوش فروهر رهبر حزب ملت ایران و همسرش همراه با دو نویسنده توجه عمده ای را بخود جلب نمود و به درخواست کانون نویسندگان ایرانی از دولت برای پیدا نمودن و محاکمه عاملان این جنایت راه برد. بعد از تحقیقات ، معاون وزیر اطلاعات و امنیت ، سعید امامی، همراه تعدادی از عوامل وزارت اطلاعات به جرم درگیر بودن در ترورها دستگیر و زندانی شد. گزارش شده است که او در زندان دست به خودکشی زده است. وزارت مجبور شد طی اطلاعیه ای درگیر بودن عواملش در این پرونده را بپذیرد.^{۱۱۰}

بخشی از اطلاعیه وزارت این چنین است: ” قتلهای پست و شنیع اخیر در تهران نشانه ای از یک توطئه مزمن و یک تهدید برای امنیت ملی است متأسفانه یک گروه کوچک از کارکنان غیرمسئول، گمراه، خود سر و کله شق در داخل وزارت اطلاعات که بدون شک تحت تاثیر عوامل نفوذی پست بوده و در جهت اهداف خارجی و بیگانه عمل میکردند، به این اعمال جنایتکارانه دست زده اند. ”

- فوریه ۲۰۱۰: یکی از موفقیت آمیزترین عملیات وزارت اطلاعات که انعکاس وسیعی در داخل و خارج ایران داشت، دستگیری عبدالمالک ریگی ، رهبر جندالله بلوچی، یک سازمان نظامی اسلامی سنی، در سال ۲۰۱۰ بود. ریگی سالها



Abdolmalek Rigi
Source:
<http://tribune.com.pk/>

ماهرانه از دستگیری طفره رفته و در یکی از بی قانون ترین مناطق غرب پاکستان، اقامت داشت. کشتارهای بیرحمانه از مردم عادی در جنوب شرقی ایران او را به یکی از کسانی تبدیل کرده بود که دولت ایران خواهان دستگیری وی بود. بعد از کشتن یکی از فرماندهان برجسته سپاه پاسداران ، جمهوری اسلامی بطور جد بدنبال دستگیری وی بود. وزارت اطلاعات رد او را در بدست آورد و تحت مراقبت قرار داد و هنگامیکه او در پروازی از دبی به قرقیزستان بر فراز خاک ایران بود، ماموران وزارت اطلاعات هواپیما را مجبور به فرود در داخل ایران نموده و ریگی را دستگیر نمودند. او در برنامه ای که در تلویزیون دولتی پخش شد، اعتراف نمود که با سیا و موساد همکاری داشته است و متعاقباً اعدام شد.^{۱۱۲}

۲۴. کرونولوژی حملات تروریستی چشمگیر

وزارت اطلاعات درگیر یک سری ترورهای قابل توجه بوده است. چشمگیرترین آنها در جدول زیر آمده است . نشان میدهد که تعداد ترورها در سالهای ۲۰۰۰ به بعد کاهش یافته است.